

برندگان و بازندگان جنگ اخیر ارمنستان و آذربایجان در قره‌باغ کوهستانی!

بهرام رحمانی
bahram.rehmani@gmail.com

آغاز سخن

هر جنگی برندگان و بازندگانی دارد اما بی‌تردید بازندگان اصلی همه جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای و جهانی شهروندان عادی و سربازان بوده و زنان و کودکان بیش‌ترین قربانیان جنگ‌ها هستند. جنگ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه قره‌باغ کوهستانی تاریخی نسبتاً طولانی دارد و این درگیری در سال ۱۹۸۸ میلادی به صورت پراکنده و لفظی آغاز شد و در سال ۱۹۹۲ به درگیری نظامی کشید. سرانجام این آن‌ها در سال ۱۹۹۴ به برقراری آتش‌بس میان طرفین مناقشه انجامید، منطقه قره‌باغ کوهستانی جمهوری آذربایجان و هفت شهرستان همجوار آن تحت کنترل نیروهای ارمنی درآمد.



جنگ اخیر بین جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان در قره‌باغ کوهستانی ظاهراً با پیروزی آذربایجان و شکست ارمنستان منجر شد. در حالی که اگر به معنای واقعی تحولات منطقه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم بازندگان این جنگ مردم آذربایجان و ارمنستان و برندگان واقعی نیز روسیه و اسرائیل و تا حدودی ترکیه بوده است اما در این میان سر جمهوری اسلامی ایران کاملاً بی‌کلاه مانده است.

یکی از قدیمی‌ترین مناقشه‌ها در عرصه بین‌الملل بعد از ۴۵ روز جنگ تمام عیار در قفقاز جنوبی منطقه قره‌باغ با میانجی‌گری روسیه و با امضاء توافق آتش‌بس بین دو جمهوری ارمنستان و آذربایجان به ظاهر خاتمه یافت، جنگی که نزدیک به هفت هزار کشته از هر دو طرف به جا گذاشت. آتشی زیر خاکستر که زبانه کشید و چالشی بزرگ در منطقه و همسایگان به وجود آورد. این رویارویی نظامی بین دو جمهوری ارمنستان و آذربایجان را می‌توان از نبردهای نسل پنجم دانست، از مشخصه‌های جنگ‌های نسل پنجم استفاده گسترده فناوری‌های نوین از قبیل پهپادهای پیشرفته، تاکتیک‌های سایبری تهاجمی، سلاح‌های هوشمند و غیر متعارف را اشاره کرد. در این نبردها مرز مفهوم خود را از دست داده و با عدم تمایز بین منطقه غیرنظامی و جبهه جنگ، استفاده از بازیگران غیر دولتی را مد نظر قرار می‌دهد.

یک طرف درگیر جمهوری آذربایجان با وصول شبکه‌های تروریستی، گروه‌های شورشی سوری و شبه‌نظامیان به مناطق درگیری، حضور گسترده نیروهای ویژه ترکیه و مستشاران خارجی در این جنگ را رقم زد، که موجب تغییر در معادلات نبرد صورت گرفت.

آتش‌بس

سرانجام دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۸ - ۹ نوامبر ۲۰۲۰، ارمنستان و جمهوری آذربایجان در حضور روسیه توافق‌نامه امضاء کردند که به شش هفته درگیری‌های نظامی در قره‌باغ پایان داد.

در پی اعلام امضا توافق میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان برای آتش‌بس در منطقه قره‌باغ در دو کشور با واکنش‌های متفاوتی رویه‌رو شد. در جمهوری آذربایجان مردم جشن گرفتند، اما در ارمنستان مردم خشمگین خواهان استعفای نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر این کشور شدند. گروهی از معترضان هم وارد پارلمان در شهر ایروان شدند. بر اساس توافق جدید، آذربایجان مناطقی از قره‌باغ را که در طول درگیری تصرف کرده است، حفظ خواهد کرد. ارمنستان اما توافق کرده است که طی چند هفته آینده از چندین منطقه عقب‌نشینی کند. در متن منتشر شده این توافق ارمنستان توافق کرده است که از همه مناطقی که طی درگیری تصرف کرده بود تا بیستم نوامبر، عقب‌نشینی کند.

الهام علی‌اف این توافق را «واقعه مهم» تاریخی خواند و در شبکه‌های اجتماعی آن را محصول «تسلیم» ارمنستان دانست. اما نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان که در فیس‌بوک امضای این توافق را دردناک و برای خود و کشورش سخت توصیف کرده بود، گفت: «این یک پیروزی نیست اما شکست هم نیست. شکست تنها زمانی روی می‌دهد که شما احساس مغلوب شدن کنید.»

او نوشت که این تصمیم را پس از بررسی دقیق اوضاع در میدان درگیری و بعد از مشورت با بهترین کارشناسان گرفته است.

همچنین گزارش شده که گروهی از معترضان وارد محل سکونت رسمی پاشینیان، شدند. پاشینیان گفته که آن‌ها «یک کامپیوتر، یک ساعت، یک شیشه عطر، گواهی نامه رانندگی و چیزهای دیگری را از خانه او برده‌اند.»
آرانیک هاروتیونیان رییس‌جمهوری قره‌باغ نیز گفته که این آتش‌بس، به دنبال از دست دادن شوشا، دومین شهر بزرگ قره‌باغ اجتناب‌ناپذیر بوده است. او گفت که اگر جنگ ادامه داشت ارمنستان مناطق بیش‌تری را از دست می‌داد. ارمنستان این شهر را شوشی می‌خواند.



- متن کامل بیانیه مشترک روسای جمهور روسیه، جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان به شرح زیر است:
- ما روسای جمهوری آذربایجان، نخست‌وزیر جمهوری ارمنستان و رییس‌جمهور فدراسیون روسیه موارد ذیل را اعلام می‌کنیم:
- ۱- آتش‌بس کامل و توقف کامل عملیات‌های نظامی در مناطق درگیری در قره‌باغ کوهستانی از ساعت ۰۰:۰۰:۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ به وقت مسکو اعلام خواهد شد. جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان که از این به بعد به عنوان «طرف‌ها» مورد اشاره قرار خواهند گرفت مواضع سرزمینی خودشان را حفظ خواهند کرد.
 - ۲- منطقه آغ‌دام و اراضی جمهوری آذربایجان در منطقه قازاخ که تحت سیطره جمهوری ارمنستان بود، از تاریخ ۲۰ نوامبر به آذربایجان واگذار خواهد شد.
 - ۳- گروهی از نیروهای صلح‌بان فدراسیون روسیه شامل ۱۹۶۰ پرسنل نظامی، ۹۰ نفر زره‌پوش، ۳۸۰ خودرو و تجهیزات ویژه در طول منطقه تماس قره‌باغ کوهستانی و در طول کریدور لاجین مستقر خواهند شد.
 - ۴- استقرار نیروهای صلح‌بان فدراسیون روسیه، به موازات عقب‌نشینی نیروهای مسلح ارمنستان صورت خواهد گرفت. مدت زمان استقرار نیروهای حافظ صلح روسیه ۵ سال خواهد بود و این مدت به طور خودکار برای ۵ سال بعد تمدید خواهد شد، مگر آن که هر کدام از طرفین ۶ ماه قبل از انقضای این دوره، قصد خود را برای انقضای این بند اعلام کند.
 - ۵- به منظور افزایش اثربخشی فرایندهای کنترلی بر روی اجرای توافقات توسط طرف‌های درگیری، یک مرکز آشتی برای نظارت بر آتش‌بس تشکیل خواهد شد.
 - ۶- جمهوری ارمنستان منطقه کلجبار را تا ۱۵ نوامبر ۲۰۲۰ و منطقه لاجین را تا ۱ دسامبر ۲۰۲۰ تحویل جمهوری آذربایجان خواهد داد و کریدور لاجین را تا عرض ۵ کیلومتر پشت سر خواهد گذاشت. این اتصال قره‌باغ به ارمنستان را تضمین می‌کند. این مسئله بر وضعیت شهر شوشا هم موثر خواهد بود. طبق این توافق، طی سه سال آینده، برنامه‌ای برای احداث یک مسیر جدید حمل و نقل در طول کریدور لاجین مشخص خواهد شد. این مسیر، ارتباط بین استپاناکرت و ارمنستان را میسر خواهد کرد. جمهوری آذربایجان، ایمنی تردد شهروندان، خودروها و کالاها در طول کریدور لاجین در هر دو جهت را تضمین می‌کند.
 - ۷- آوارگان و پناهندگان داخلی باید تحت نظارت دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان به خاک قره‌باغ و مناطق همجوار برگردند.
 - ۸- اسرای جنگی و سایر بازداشت‌شدگان و اجساد افراد کشته‌شده مبادله خواهند شد.
 - ۹- تمامی محورهای مواصلاتی اقتصادی و حمل و نقل در منطقه رفع انسداد شده‌اند. جمهوری ارمنستان به منظور سازمان‌دهی تردد بدون مانع شهروندان، خودروها و کالاها در هر دو جهت، ارتباطات حمل و نقلی بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را فراهم می‌کند. کنترل ارتباطات حمل و نقلی تحت کنترل سرویس خدمات مرزی FSB روسیه خواهد بود.
 - ۱۰- با توافق طرفین، ساخت محورهای حمل و نقل جدید برای متصل کردن جمهوری خودمختار نخجوان به مناطق غربی آذربایجان انجام خواهد شد.
- نیروهای جمهوری آذربایجان روز چهارشنبه پنجم آذر وارد ناحیه کلجبار شدند. این دومین ناحیه‌ای است که طبق توافق آتش‌بس مسکو که به درگیری‌های ناحیه ناگورنو-قره‌باغ پایان داد کنترل آن به جمهوری آذربایجان واگذار می‌شود.
- کلجبار که ارامنه آن را «کارواچار» می‌نامند برای ارامنه یک ناحیه استراتژیک و مهم بود که خاک ارمنستان را با مناطق تحت کنترل ارامنه در ناحیه مورد اختلاف ناگورنو-قره‌باغ مرتبط می‌کرد.
- ناحیه لاجین نیز قرار است روز ۱۰ آذر به جمهوری آذربایجان واگذار شود.

تلفات انسانی برای طرفین جنگ قره‌باغ

ارتش آذربایجان اعلام کرد که دو هزار و ۷۸۳ سرباز خود را در جریان درگیری با نیروهای ارمنی بر سر منطقه مورد اختلاف ناگورنو-قره‌باغ از دست داده و ۱۰۰ تن از آنها نیز همچنان مفقود هستند. این نخستین بار از زمان آغاز درگیری نظامی دو طرف از ۲۷ سپتامبر است که آذربایجان به طور رسمی رقم تلفات جانی نیروهای خود را اعلام کرده است. پیش‌تر وزارت بهداشت ارمنستان نیز از جان باختن دو هزار و ۳۱۷ نیروی نظامی این کشور در جریان درگیری با آذربایجان خبر داده بود. بدین ترتیب در جریان این نبرد ۴۵ روزه بیش از ۵ هزار نیروی نظامی و ده‌ها غیرنظامی جان خود را از دست داده و صدها خانواده بی‌خانمان و آواره شدند.

وزارت بهداشت ارمنستان نیز اعلام کرد که تاکنون جسد ۲ هزار و ۴۲۵ نفر از نیروهای نظامی این کشور که در جریان درگیری‌های قره‌باغ کشته شدند، شناسایی شده و اجساد ۲۰۰ سرباز هم بین دو طرف مناقشه مبادله شده است. به گزارش «نووستی»، «آرسن توراسیان» وزیر بهداشت جمهوری ارمنستان شب گذشته در یک مصاحبه تلویزیونی کشته شدن ۲ هزار و ۴۲۵ نیروی نظامی این کشور در جریان درگیری‌های مسلحانه اخیر در منطقه قره‌باغ کوهستانی از ۲۷ سپتامبر تا ۹ نوامبر-۶ مهر ماه الی ۱۹ آبان را مورد تایید قرار داد.

گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا

گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا متشکل از نمایندگان ۱۱ کشور عضو این سازمان از سال ۱۹۹۲ میانجی‌گری برای حل مسالمت‌آمیز مناقشه قره‌باغ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان را بر عهده دارند. روسیه، آمریکا و فرانسه از سال ۱۹۹۷ ریاست مشترک بر گروه میانجی مینسک را بر عهده دارند و مذاکرات صلح تحت سرپرستی این سه کشور هیچ نتیجه‌ای برای حل مناقشه قره‌باغ نداشته است. روسای جمهوری آذربایجان و ارمنستان با میانجی‌گری گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا در ۱۹ سال گذشته یعنی بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۰ بیش از ۵۰ بار دیدار و راه‌های حل مناقشه قره‌باغ را بررسی کرده‌اند، اما تا به حال پیشرفتی در حل این مناقشه مشاهده نشده بود.

قطع‌نامه‌های بین‌المللی بدون ضمانت اجرایی

مناقشه قره‌باغ در سال ۱۹۸۸ آغاز و در آستانه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۲ به درگیری نظامی میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان کشید. سازمان امنیت و همکاری اروپا که در سال ۱۹۹۲ میانجی‌گری حل این مناقشه را بر عهده داشت، قادر به توقف این درگیری در آن زمان نشد و با ادامه این درگیری‌ها تا سال ۱۹۹۴ منطقه قره‌باغ کوهستانی جمهوری آذربایجان و هفت شهرستان دیگر در همجواری آن به کنترل نیروهای ارمنی درآمد و نزدیک به یک میلیون شهروند جمهوری آذربایجان از خانه و کاشانه خود در قره‌باغ اخراج شدند که در حال حاضر نیز در شهر و شهرستان‌های مختلف جمهوری آذربایجان بعنوان آوارگان جنگی اسکان دارند. شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ با صدور چهار قطع‌نامه خواستار خروج بدون قید و شرط نیروهای ارمنستان از سرزمین‌های جمهوری آذربایجان شد ولی این قطع‌نامه‌ها تا به حال اجرا نشده بود. در سال ۱۹۹۴ بر اثر تلاش‌های بین‌المللی، توافق‌نامه برقراری آتش‌بس میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در شهر بیشکک قرقیزستان به امضاء رسید و درگیری‌های نظامی دو ساله که منجر به تلفات جانی زیادی در هر دو طرف شد، پایان یافت. با وجود این‌که در سال ۱۹۹۷ آمریکا، فرانسه و روسیه ریاست مشترک در گروه میانجی مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا برای حل مناقشه میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر عهده گرفتند و امیدها برای حل این مناقشه با حضور قدرت‌های جهان وجود داشت، اما تلاش‌های میانجی‌گران بین‌المللی تا کنون نتیجه‌ای ندادند.

روسیه

ولادیمیر پوتین در سخنرانی اخیر خود در باشگاه گفت‌وگوی بین‌المللی والدای ادعا کرد که روسیه با در نظر گرفتن سطح بالای روابط با ارمنستان و جمهوری آذربایجان به اصل فاصله برابر از طرفین درگیری پایبند است و هیچ‌کسی بیش‌تر از ما به صلح و ثبات در قفقاز جنوبی تاکید ندارد. روس‌ها می‌گویند، پرهیز از شرکت مستقیم در جنگ در کنار ارمنستان، کوتاهی روسیه در انجام تعهدات متحد خود نیست. پس از درخواست نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان از ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه برای تامین امنیت ارمنستان، وزارت امور خارجه روسیه بدون صراحت روشن کرد که امنیت ارمنستان در چارچوب تعهدات متحدین بر اساس توافق‌نامه دوستی، همکاری و کمک متقابل انجام می‌شود اما قره‌باغ از این پیمان مستثنی است. در شرایط فعلی قره‌باغ، حمایت از منافع ابروان توسط روسیه با خطر از دست دادن یک شریک اقتصادی مهم، یعنی باکو روبه‌رو می‌شد به همین دلیل بود که گمانه‌زنی‌های برخی محافل کارشناسی در مورد تایید پشت صحنه مسکو از طرح باکو برای بازگرداندن هفت منطقه اشغالی در اطراف قره‌باغ درحقیقت خلاف واقع اعلام شد. الهام علی‌اف رئیس‌جمهوری آذربایجان در مصاحبه اخیر خود با روزنامه ایتالیایی «لا ریپوبلیکا» نیز با رد این شایعه اشاره کرد که بی‌طرفی روسیه مسئولیت خود در چارچوب ماموریت میانجی‌گری در روند مذاکرات است و یک نه یک چراغ سبز برای جمهوری آذربایجان.

دیپلماسی روسیه در این منطقه شامل جلوگیری از نفوذ ترکیه می‌شود هرچند این تلاش‌ها رسانه‌ای نمی‌شود اما مسکو به‌خوبی می‌داند که آنکارا که در گذشته از برخی گروه‌های تروریستی افراط‌گرا در منطقه قفقاز شمالی روسیه از جمله چچن‌ها حمایت کرده و می‌تواند در آینده نیز پای افراط‌گرایان را به قفقاز جنوبی باز کند و در آن صورت ثبات مناطق قفقاز شمالی و دریای خزر نیز به خطر می‌افتد. به همین دلایل روس‌ها سعی می‌کنند تلاش‌های میانجی‌گرانه دار مسئله قره‌باغ بدون تغییر فرمت در قالب کنونی گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا به ریاست روسیه، فرانسه و آمریکا تداوم یابد.

هرچند که این اقدامات نتایج ملموسی به همراه ندارند. اکنون مسکو موفق شده است گامی شاخص در روند بحران قره‌باغ بردارد با این وجود به گفته تحلیل‌گران قره‌باغ ممکن است برای مسکو حکم شمشیر دولبه را داشته باشد.

در عین حال روسیه در ارمنستان پایگاهی نظامی دارد. این پایگاه در شهر گیومری در ۱۲۴ کیلومتری شمال ایروان، پایتخت این کشور واقع شده و ۳ هزار سرباز در آن مستقر هستند.

فروش تسلیحات پیشرفته روسیه به آذربایجان و ارمنستان

روسیه نیز به این دو کشور انواع تسلیحات پیشرفته می‌فروشد و به گزارش برخی رسانه‌ها، تسلیحاتی همچون سامانه پدافند هوایی اس-۳۰۰ به جمهوری آذربایجان و موشک‌های تاکتیکی به ارمنستان فروخته است. ویژگی همکاری‌های فنی-نظامی مسکو با باکو با ایروان به گونه‌ای است که جمهوری آذربایجان با توجه به دسترسی به منابع مالی سرشار حاصل از فروش نفت که سالانه به بیش از ۳۰ میلیارد دلار می‌رسد می‌تواند با خیال آسوده انواع سلاح‌های پیشرفته را بدون توجه و نگرانی از بهای بالای آن خریداری کند و بقیه تسلیحات را از ترکیه و اسرائیل تهیه می‌کند. اما ارمنستان که روابط راهبردی با روسیه دارد از منابع نفت و گاز برخوردار نیست و نمی‌تواند به خود اجازه خریدهای تسلیحاتی میلیارد دلاری بدهد. ارمنستان همچنین عضو پیمان امنیت جمعی سازمانی نظامی با محوریت روسیه است و دو کشور در چارچوب این سازمان همکاری‌های نظامی گسترده‌ای با یکدیگر دارند.

ارمنستان

ارامنه، نیکول پاشینیان، نخست وزیر کشورشان را یک وطن فروش و خان قلمداد می‌کنند که بدون هماهنگی با احزاب و حتی رییس جمهوری به چنین تصمیمی حیاتی اقدام کرده و امنیت ملی را به مخاطره انداخته است. ارتش ارمنستان در اعلامیه آتش‌بس به نوسازی و ساخت ارتشی پیشرفته اشاره کرده و با موج اعتراضات در ارمنستان و البته در جامعه دیاسپورا بیانگر عدم هضم این توافق است. وقتی پای منافع مسکو مطرح می‌شود لازم است فراگیرتر از ارمنستان اندیشه شود. در دورانی ارمنستان جای پای بی‌قید و شرط سیاست روسیه در منطقه بود اما به تدریج این جای پا در حال از بین رفتن است چرا که سیاست‌ها و گرایش‌های روسیه متنوع شده است.

ارامنه منطقه قره‌باغ با تسلیحات دو دهه قبل از خود دفاع می‌کردند، آن‌ها پس از امضای توافق آتش‌بس سال ۱۹۹۴ تا کنون فرصتی ۲۶ ساله داشتند تا به خودکفایی و خرید تسلیحات نظامی مدرن بپردازند که ظاهراً بیانگر عدم اتخاذ تصمیماتی در این خصوص بوده و یا بسیار ناچیز صورت گرفته و امیدی واهی به پشتیبانی مستقیم روسیه بسته شده بود.

بلندپروازی‌های جمهوری ترکیه با تفکرات توسعه‌طلبی و عثمانی‌گری

بعد از انعقاد توافق بین ایروان و باکو با میانجی‌گری مسکو و سپردن نیروهای حافظ صلح به ارتش روسیه، الهام علی‌اف خطاب به مردم آذربایجان خاطرنشان کرد که همراه با نیروهای حافظ صلح روسی، یک گروه صلح‌بان ترکیه نیز به طور اضافی مستقر خواهد شد. با این حال، در قرارداد منعقدۀ چنین ماده‌ای وجود ندارد.

بعد از این اظهار نظر علی‌اف بلافاصله ماریا زاکاروا دبیرتری پسخوف از سخن‌گویان وزارت خارجه و ریاست جمهوری روسیه اعلام کردند که، طبق توافق‌نامه‌های طرفین، فقط نیروهای روسی وظیفه حفاظت از صلح را بر عهده دارند و هیچ کشور دیگری در موضوع حضور نخواهد یافت.

با این حال، باکو گفته است که نیروهای ترکیه را در سرزمین‌های خارج از منطقه درگیری مستقر می‌کند. حضور طرف ترکیه، اگر در قره‌باغ نباشد، حداقل در نزدیکی این سرزمین‌ها، با افزایش نقش ترکیه در حل و فصل منازعات مشخص می‌شود.

دوره اقامت نیروهای حفاظت از صلح فدراسیون روسیه پنج سال با تمدید خودکار برای دوره‌های منظم پنج ساله بعدی است، در صورتی که هیچ یک از طرفین قصد خود را برای خاتمه استفاده از این ماده شش ماه قبل از انقضا مدت اعلام نکنند.

نوآوری در این توافق نامه ایجاد ارتباطات حمل و نقل زمینی بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان تحت کنترل سرویس امنیتی روسیه است. این کریدور حمل و نقل نه تنها محصوره نخجوان را با جمهوری آذربایجان متصل می‌کند، بلکه مسیرهای تدارکاتی جمهوری آذربایجان و ترکیه را تقویت می‌کند.

در مورد ارتباط بین ارمنستان و قره‌باغ، این توافق‌نامه حفظ کریدور لاجین (به عرض ۵ کیلومتر) را که تحت کنترل نیروهای حافظ صلح فدراسیون روسیه است، پیش‌بینی کرده است. جاده از شهر شوشا عبور خواهد کرد.

اسرائیل

جمهوری آذربایجان با خریداری تسلیحات فوق پیشرفته از حکومت اسرائیل و ترکیه همچنین استفاده از مستشاران آن دو کشور در جنگ ۴۵ روزه تاثیر بسیاری به جا گذاشت، پهپادهای انتحاری و پهپادهای مسلح به موشک‌های لیزری آن کشورها نقشی به سزا در نبردها به ثبت رساندند.

همکاری‌های فنی و نظامی اسرائیل و آذربایجان به باکو امکان داد تا ارتش آذربایجان را مجدداً به تسلیحات و تجهیزات نظامی پیشرفته مجهز کند. در پنج سال اخیر اسرائیل ۴۳ درصد تسلیحات آذربایجان را تامین کرده است. در زمان دیدار نخست وزیر اسرائیل «نتانیاهاو» از باکو در دسامبر سال ۲۰۱۶، طرفین توافق‌نامه همکاری در زمینه امنیت را امضاء کردند. اقامت افسران با تجربه موساد در باکو مورد توافق قرار گرفت. از این لحظه به بعد تحویل سلاح‌ها و تجهیزات نظامی اسرائیلی به آذربایجان شتاب بیشتری گرفت.

«دیوید شارپ» تحلیل‌گر نظامی اسرائیلی در مقاله خود «نزاع قره‌باغ» نوشت که هرچند «روابط بین اورشلیم و باکو به قدر کافی با پرده کاملی از راز پوشیده شده است، اما مشخص است که آذربایجان یکی از بزرگ‌ترین خریداران اسلحه اسرائیلی است.» در میان تجهیزات نظامی اسرائیلی پهپادهای تحویل داده شده به آذربایجان جای نخست را دارند. طی دوازده سال (۲۰۲۰-۲۰۰۸) نیروهای مسلح آذربایجان کاملاً مجهز به پهپادهای اسرائیلی، از جمله تسلیحات گشت‌زنی در هوا بودند و تنها در ماه‌های اخیر است که اوضاع تا حدی تغییر کرده است: آذربایجان شروع به دریافت پهپادهای «بایراکتار تی بی ۲» ترکیه کرد و چند پروانه‌ای «اس تی ام کارگو» ضربتی از ترکیه کرد.

سال ۲۰۱۷ با تحویل سلاح‌های جنگی گشت زنی در هوا «اوربیتز-1 کا» به آذربایجان مرتبط است. آن‌طور که روزنامه اسرائیلی «معاریو» نوشت، در جریان نمایش این دستگاه‌ها در آذربایجان از اپراتورها خواسته شد تا ترتیب «حمله زنده» به اهداف ارمنستان را بدهند. با وجود فشار مسئولان آن‌ها امتناع کردند. در آن زمان گویا پرتاب‌ها توسط هیات اسرائیلی انجام شد، اما به دلیل نبود تجربه عملی به اهداف اصابت نکردند. ارتش آذربایجان به اسلحه‌های تهاجمی «تووار - تار- 2»، مسلسل‌های «یوزی»، مسلسل‌های سبک «نگو-Negev»، سامانه‌های موشکی ضد تانک «اسپایک»، سامانه‌های موشکی عملیاتی- تاکتیکی «لورا»، سیستم‌های موشکی پرتاب چندگانه یا سیستم توپخانه راکتی است که شامل چندین پرتابگر است، اسلحه‌های خود ران چرخدار ۱۵۵ میلی‌متری «آتموس - ۲۰۰۰»، سیستم خمپاره‌انداز ۱۲۰ میلی‌متری «کاردوم»، سیستم رایانه ای و خودمختار برای نصب روی ناوهای زرهی سبک و متوسط است و خمپاره اندازهای خودران ۱۲۰ میلی‌متری «اسپر م.کا.۲-۴۷» مجهز شده است. آذربایجان از اسرائیل تعدادی رادار مدرن، سامانه دفاع هوایی «باراک-۸»، ناوچه‌های مرزی و گشت ناو جنگی کوچک خریداری کرد. شرکت اسرائیلی «البت» تانک‌های آذربایجان ساخت روسیه «ت-۷۲» و «ت-۵۵»، و همچنین «ب ام پی ۲» را مدرنیزه کرده است.

«موساد» در آذربایجان یک ایستگاه ردیابی ایجاد کرده است که در حکم «چشم، گوش و میدان عملیات استراتژیکی و سرپلی» برای نظارت بر ایران است.

جمهوری آذربایجان با حمایت ترکیه و اسرائیل عزم خود را جذب کرد تا به پیروزی‌های چشم‌گیری برسد، در این راه حتی استفاده گسترده از بمب‌های خوشه‌ای و فسفری ممنوعه به جز مناطق جنگی در شهرها و روستاها نیز واهمه‌ای نداشت. در حالی که جنگ خونین میان جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه ناگورنو- قره‌باغ ادامه داشت، رسانه‌های اسرائیل از افزایش پرواز هواپیماهای حامل جنگ‌افزار اسرائیلی به سوی جمهوری آذربایجان خبر داده‌اند.

روزنامه هآرتس، سه‌شنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۹، هم‌زمان با دهمین روز از تجدید این جنگ در قفقاز جنوبی نوشت، در دو هفته اخیر پروازهای باربری حامل اسلحه اسرائیلی به آذربایجان به میزان چشم‌گیری افزایش یافته است.

به گزارش این روزنامه، در دوران همه‌گیری ویروس کرونا فرودگاه اسرائیل «سوت و کور» است و پروازهای تجاری تقریباً وجود ندارد اما خط هوایی باربری در مسیر تل‌آویو- باکو شاهد «شکوفایی» است.

هآرتس نوشته است در شرایطی که آتشباری توپ‌ها در قفقاز ظنین انداخته، افزایش پروازها در مسیر اسرائیل- آذربایجان «نتیجه مستقیم تجدید جنگ» در منطقه قره‌باغ کوهستانی است.

رادارهای رصد، پرواز هواپیماهای ترابری آذری سیلکوی را که مورد استفاده وزارت دفاع آذربایجان نیز هست، در مسیر باکو به فرودگاه نظامی «رامون» در نزدیکی پایگاه ارتش اسرائیل در منطقه «عوودا» ثبت کرده‌اند. این پروازها که از پیش از بروز حملات اخیر نظامی در قره‌باغ آغاز شده ظاهراً کماکان ادامه دارد.

از سوی دیگر، آرمن سرکیسیان، رییس جمهور ارمنستان، روز دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۹۹ با رنوون ریولین، همتای اسرائیلی‌اش، درباره وضعیت در قره‌باغ و شرایط کشورش تلفنی گفت‌وگو کرد.

به گزارش سایت خبری اسرائیلی وای.نت، رییس‌جمهور اسرائیل از کشته‌شدن مردم در هر دو طرف جنگ ابراز «تاسف» کرد اما به رییس‌جمهور ارمنستان گفت که روابط اسرائیل و آذربایجان «سال‌های طولانی ادامه داشته و همکاری آن‌ها علیه کشور ثالثی نیست.»

پاسخ رییس‌جمهور اسرائیل، ظاهراً به مفهوم رد خواسته ارمنستان در خصوص قطع معاملات نظامی تلقی شده است. با وجود این، آرمن سمباتیان، سفیر ارمنستان در اسرائیل، که فعلاً به ایروان بازگشته، در پی گفت‌وگوی تلفنی روسای جمهوری دو کشور ابراز «امیدواری» کرد که اسرائیل دست‌کم در مقطع کنونی ارسال جنگ‌افزار به باکو را معلق کند. سفیر ارمنستان در اعتراض به معاملات تسلیحاتی اسرائیل به آذربایجان، تنها دو هفته بعد از گشایش سفارت ارمنستان در تل‌آویو، به ایروان فرا خوانده شده بود.

ارمنستان که در ششمین روز نبردهای مسلحانه مرگبار با جمهوری آذربایجان بر سر منطقه قره‌باغ علیا درگیر است، در اعتراض به معاملات فروش تسلیحات اسرائیل به آذربایجان، شامگاه پنج‌شنبه، دهم مهر، سفیر خود را از تل‌آویو فرا خوانده بود. به گزارش جروزالم پست و وب‌سایت خبری وای.نت، یک روز پیش از این تصمیم ایروان، مشاور رییس‌جمهوری آذربایجان استفاده ارتش کشورش از پهپادها و سایر تسلیحات اسرائیلی در نبرد علیه ارمنستان را تایید کرده و از «کارایی و دقت» این سلاح‌ها سخن گفته بود.

در واکنش، آنا نقدعلیان، سخنگوی وزارت خارجه ارمنستان، گفت، عملکرد اسرائیل «غیرقابل قبول است.» خاتم نقدعلیان افزود: «تامین سلاح مدرن برای آذربایجان توسط اسرائیل، آن‌هم در شرایط تهاجمی آذربایجان با حمایت ترکیه، برای ما قابل قبول نیست و با در نظر گرفتن این موضوع، وزارت خارجه تصمیم گرفت سفیر را برای رایزنی فرا بخواند.»

نیکول پاشینیان، نخست وزیر ارمنستان در آغاز این هفته از اسرائیل خواست معاملات تسلیحاتی خود با آذربایجان را متوقف کند.

اما کارشناسان نظامی اسرائیلی در واکنش به «ابراز امیدواری» سفیر ارمنستان، هر نوع توقف یا تعلیق فروش تسلیحات اسرائیلی به آذربایجان را «بعید» دانستند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، دولت اسرائیل مصمم به اجرای «معاملات چند میلیارد دلاری اسلحه» با آذربایجان با وجود شکایات ارمنستان است.

پیش‌تر حکمت حاجی‌اف، مشاور رییس‌جمهوری آذربایجان در امور بین‌الملل، در مصاحبه با سایت اسرائیلی «والا» گفته بود که «پهپادهای اسرائیلی» در دست نظامیان آذری «کارایی موثری» دارد.

حاجی‌اف افزوده بود که باید در برابر سازندگان این پهپادها «کلاه را به نشان احترام از سر برداشت».

مشاور رییس‌جمهوری آذربایجان گزارش رسانه‌های اسرائیل را نیز تلویحی تأیید کرد که هواپیماهای آذری که در روزهای گذشته در اسرائیل فرود آمدند، «احتمالاً» با محموله‌های جدید تسلیحاتی اسرائیلی، به باکو بازگشته‌اند.

رسانه‌های اسرائیل از «فرود کاروانی از هواپیماهای ترابری آذربایجانی» در یک فرودگاه اسرائیلی که عمدتاً کاربری نظامی دارد، خبر داده و نوشته بودند که هواپیماها برای انتقال محموله‌های تسلیحات ساخت اسرائیل به زمین نشستند.

به گزارش رسانه‌های اسرائیلی، هواپیماهای باربری آذری از چند روز پیش از آغاز نبردهای قره‌باغ علیا به سوی اسرائیل به پرواز درآمدند؛ امری که ممکن است از تصمیم و برنامه قبلی آذربایجان برای ورود به جنگ با ارمنستان و پیش‌آگاهی اسرائیل از نزدیک بودن این جنگ نشان داشته باشد.

از مجموع گزارش رسانه‌های اسرائیل چنین برمی‌آید که نقل و انتقالات تسلیحاتی در مسیر اسرائیل به باکو احتمالاً هنوز ادامه دارد.

رسانه‌های بین‌المللی بر کاربرد پهپادهای نوع «انتحاری» ساخت اسرائیل در نبردهای کنونی قفقاز تأکید دارند.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر و سایر مقامات ارشد اسرائیل از موضع‌گیری روشن در خصوص تجدید جنگ در جنوب قفقاز خودداری کرده‌اند.

اسرائیل از آغاز فروش جنگ‌افزار به آذربایجان، که حداقل از سال ۲۰۰۶ در جریان بوده، مبالغ و جزئیات معاملات را محرمانه نگاه داشته است.

به نوشته خبرگزاری فرانسه و ه‌آرتص، الهام علی‌اف، رییس‌جمهوری آذربایجان، در سفر بنیامین نتانیاهو در اواخر پاییز ۲۰۱۶ به باکو، گفته بود کشورش برای خریدهای تسلیحاتی از اسرائیل برای یک دوره چند ساله به مبلغ ۴ میلیارد و ۸۵۰ میلیون دلار تعهد داده است.

اما موسسه سیپری در استکهلم تسلیحات خریداری شده اسرائیلی از سوی آذربایجان در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۹ را ۸۲۵ میلیون دلار ثبت کرده است.

روزنامه «زوددویچه» دوشنبه دوم نوامبر - ۱۲ آبان به بررسی روابط اسرائیل و آذربایجان پرداخته و به نقل از گزارش‌های رسانه‌ای محموله این هواپیماها را جنگ‌افزارهای ساخت اسرائیل عنوان می‌کند. بنا بر این گزارش نزدیکی آذربایجان به اسرائیل می‌تواند برای این کشور در جنگ با ارمنستان در قفقاز جنوبی یک امتیاز تعیین‌کننده باشد.

دولت اسرائیل به طور معمول درباره صادرات جنگ‌افزار زیاد و به صراحت صحبت نمی‌کند، اما از سالیان پیش آشکار شده که اسرائیل از مهم‌ترین تامین‌کنندگان تسلیحات جمهوری آذربایجان است.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل ۱۸ اکتبر، در بحبوحه جنگ قره‌باغ در پیام شادباشی به رهبران باکو سالروز استقلال جمهوری آذربایجان را «از صمیم قلب» تبریک گفت.

به گزارش خبرگزاری آذربایجانی «توران»، نتانیاهو در پیام تبریک خود تأکید کرد که اسرائیل افتخار می‌کند یکی از نخستین کشورهایی بوده که استقلال آذربایجان را به رسمیت شناخته و از آن زمان یک «دوستی واقعی» میان مردم دو کشور شکل گرفته است.

دو طرف تا کنون از این «دوستی» به خوبی بهره برده‌اند. اسرائیل چهل درصد نفت خام مورد نیاز خود را از آذربایجان تامین می‌کند. این نفت از طریق خط لوله از باکو به بندر سیهان ترکیه در کنار دریای مدیترانه و از آنجا به اسرائیل منتقل می‌شود. در مقابل آذربایجان بخش مهمی از نیاز تسلیحاتی خود را از اسرائیل تامین می‌کند.

موسسه تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم (Sipri) برآورد می‌کند که ۶۰ درصد جنگ‌افزار وارداتی جمهوری آذربایجان از اسرائیل خریده می‌شود.

رییس‌جمهوری آذربایجان، الهام علی‌اف در جریان بازدید نتانیاهو از باکو در سال ۲۰۱۶ به ابعاد عظیم این تجارت اشاره کرده و گفته بود که دو کشور برای خرید جنگ‌افزار به مبلغ پنج میلیارد دلار توافق کرده‌اند.

بنابر گزارش‌ها صادرات جنگ‌افزار اسرائیل به آذربایجان از جمله شامل موشک، سیستم رادار، مهمات و به خصوص پهپاد می‌شود که در برتری نظامی این کشور در جنگ با ارمنستان نقشی کلیدی دارند.

روددویچه به نقل از پایگاه خبری اسرائیلی «والا» و از قول یک مشاور دولت باکو می‌نویسد در درگیری‌های اخیر قره‌باغ استفاده از پهپادهای اسرائیل در کنار هواپیماهای بدون سرنشین ترکیه «بسیار تأثیرگذار» بوده است.

او تأکید کرده که نظامیان آذربایجان در نبردهای اخیر از یک پهپاد انتحاری ساخت شرکت هوافضای اسرائیل موسوم به «هاری» که دارای یک کلاهک انفجاری و سامانه راداریاب است استفاده کرده است. اسرائیل از نزدیک به نیم قرن پیش تولید هواپیماهای بدون سرنشین را آغاز کرده و یکی از کشورهای بسیار پیشرفته جهان در این عرصه به شمار می‌رود.

به نوشته روزنامه آلمانی زبان روددویچه، جمهوری آذربایجان علاوه بر روابط نزدیک تجاری و سیاسی به لحاظ جغرافیایی هم برای اسرائیل جاذبه زیادی دارد زیرا به خاطر مرزهای مشترک با ایران همکاری‌های امنیتی با باکو از اهمیت زیادی برخوردار است.

ظاهرا اسرائیل اندکی پس از استقلال آذربایجان برای راه‌اندازی یک سامانه جاسوسی علیه جمهوری اسلامی با این کشور کمک کرده و طبیعی است که خود نیز از این سامانه استفاده کند. زوددوپیچه می‌گوید ماموران سازمان اطلاعات و عملیات ویژه اسرائیل (موساد) از مرزهای جمهوری آذربایجان برای رخنه به ایران و عملیات مختلف، از جمله جلب همکاری افرادی از شهروندان آذری استفاده می‌کند. گمان می‌رود انبوهی از اسناد فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی که ماموران اسرائیلی دو سال پیش از نزدیکی تهران سرقت کردند، از طریق مرزهای زمینی به جمهوری آذربایجان و از آنجا به تل‌آویو منتقل شده‌اند. در زمان بازدید نتانیاهو از باکو در سال ۲۰۱۶ گزارش‌های تائید نشده‌ای منتشر شد مبنی بر این که دو کشور توافق کرده‌اند که در صورت بروز درگیری نظامی با ایران، جنگنده‌های اسرائیلی مجاز به استفاده از فرودگاه‌های جمهوری آذربایجان باشند. الهام علی‌اف، رییس‌جمهور آذربایجان، گفته است که رابطه کشورش با اسرائیل مثل کوه یخی می‌ماند که تنها ده درصد آن از آب بیرون است و ۹۰ درصدش نامرئی است.

ایران

علی خامنه‌ای در بخشی از سخنرانی ۱۳ام آبان ۹۹ خود، درباره آتش‌بس میان آذربایجان و ارمنستان چند پهلوی حرف زده بود. او بر «آزادی سرزمین‌های آذربایجان» از تصرف ارمنستان تاکید کرده بود و همزمان گفته بود «امنیت ارمنه در این سرزمین‌ها و رعایت مرزهای بین‌المللی از جانب دو طرف باید حفظ شود.»

خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنانش در ۱۳ آبان گفته بود: «اگر چه بعضی‌ها حضور تروریست‌ها را انکار می‌کنند اما گزارش‌های قابل اطمینان وجود دارد که یکسری از تروریست‌ها از مناطق مختلف وارد این ماجرا شدند. اگر این تروریست‌ها در نزدیک مرز ایران باشند و احساس خطر شود با آن‌ها برخورد قاطع خواهد شد.»

علی خامنه‌ای اشاره‌ای به تروریست‌های مورد نظرش نکرده بود، ولی به نظر می‌رسد منظور او گزارش‌ها در مورد انتقال جنگ‌طلبان سوری مخالف بشار اسد توسط دولت ترکیه برای جنگ در حمایت از جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ بود. در طول مدت این جنگ مسئله تهدید تغییرات ژئوپولیتیک و مرزهای بین‌المللی را بسیار شنیدیم تغییراتی که از ایدئولوژی پان‌ترکیسم و پان‌ارمنیسم منشاء می‌گرفت.

جمهوری آذربایجان و ترکیه به فکر اتصال منطقه نخجوان به آذربایجان با عبور از سرزمین ارمنستان و به زیر پا گذاشتن مرزهای رسمی بودند. در این راستا مناطق نبرد و اقدامات نظامی را در کناره رود ارس آغاز کرده بود تا بعد از رسیدن به مرز رسمی ارمنستان، نبرد را وارد آن کشور کند و با تصرف قسمت جنوبی ارمنستان راهی به نخجوان باز کنند تا ترکیه به راحتی با عبور از این مناطق به دریای مازندران (خزر) روزنه‌ای پیدا کند.

این اقدام سران سیاسی و نظامی حکومت ایران را نیز تهدید می‌کرد که با ورود ایران به این بحران و اعزام نیروی گسترده نظامی به مرزهای شمالی و هشدار به اجرای چنین نقشه‌ای موضع‌گیری سختی اعمال کرد.

چالش امنیتی جدی در این توافق‌نامه برای ایران و ارمنستان، کریدور نخجوان به جمهوری آذربایجان از مسیر نوار مرزی ارمنستان با ایران است. با عملی شدن این بند ایران کاملاً همسایه مهم شمالی خود، ارمنستان را از دست می‌دهد و به صورت کامل با جمهوری آذربایجان همسایه می‌شود.

اجراء این بند آن‌چنان سران جمهوری اسلامی را نگران کرده است به طوری که فکر می‌کنند عواقبی خطرناک برای ایران در پیش دارد. طی آن گلوگاه تنفسی ایران در آن منطقه و البته همچنین ارمنستان بسته خواهد شد که سران جمهوری اسلامی ایران با حضور نیروهای و مستشاران ترکیه و اسرائیل تهدیدی جدی احساس می‌کنند.

به علاوه گروه‌های تروریستی سوری در آن منطقه نیز بنا به گزارش‌های منابع اطلاعاتی هنوز حضوری پررنگ دارند که تهدید جمهوری اسلامی را مضاعف می‌کند.

ایران با وجود نزدیکی هویتی با آذربایجان، که به دلایل ژئوپولیتیک و به دلیل روابط خوبی که باکو با آمریکا و اسرائیل برقرار کرده، به آن بی‌اعتماد و به طور سنتی طرفدار ارمنستان است. اما سران جمهوری اسلامی ایران در جنگ اخیر نتوانستند مانند سابق به ارمنستان کمک برسانند. شاید یک دلیل آن بحران‌هایی است که خود جمهوری اسلامی را زمین‌گیر کرده و احتمالاً در این شرایط نمی‌خواست با حمایت از ارمنستان ناراضی‌هایی در استان‌های آذری‌نشین ایران به وجود آید.

ترکیه و آذربایجان

مقامات هر دو کشور صریحاً اعلام کرده‌اند که به طور سنتی متحدان سیاسی و نظامی هستند. صنایع نفت و گاز دو کشور به تدریج به یکدیگر وابسته‌تر می‌شوند. ورود احتمالی ترکمنستان با ذخایر عظیم گاز در این روابط ممکن است روند تقویت این پشت سر هم اقتصادی را تقویت کند.

اما در این شرایط، شرایط مسکو ترجیح می‌دهد به عنوان واسطه عمل کند چرا که درگیری مستقیم نظامی و در نتیجه از دست دادن موقعیت‌های باقی‌مانده در منطقه به معنای محدودیت کامل مشارکت طرف روسی در پروژه‌های بین‌المللی انرژی و لجستیک آینده است که از اهمیت زیادی برای مسکو برخوردار است.

برخلاف پیش‌تر جمهوری‌های شوروی سابق، جمهوری آذربایجان هم‌چنان به موضوعات حساس روسیه مانند حفظ و توسعه موقعیت‌های زبان روسی، فرهنگ، میراث تاریخی مشترک و غیره توجه ویژه‌ای دارد.

روسیه و آذربایجان

روسیه دیگر به نفع متحد سنتی خود، ارمنستان، اقدام نکرد. آذربایجان، که با اشغال قره‌باغ و مناطق مجاور آن تحقیر شده بود، به آماده‌سازی سیاسی و نظامی برای بازپس‌گیری آن‌ها و به دست آوردن تمامیت ارضی خود ادامه داد. حدود ۳۰ سال دیپلماسی بی‌حاصلی که نتوانست به صلح منجر گردد، تبلیغات جنگی آذربایجان، بسیج رسانه‌ها و مدارس، با پیگیری این درگیری را در

خدمت اهداف ملی‌گرایانه به کار گرفت. مسئله قره‌باغ به یک امر «مقدس» تبدیل شده و تنها موضوعی است که می‌توانست افکار عمومی طالب جنگی را در آستانه شروع جنگ بسیج کند.

جمهوری آذربایجان دیگر یک کشور ضعیف و منزوی سال‌های اول استقلال خود نیست. سران این کشور توانسته‌اند سیاست خارجی چند بعدی را بر اساس روابط خوب با روسیه، ترکیه، ایران، اتحادیه اروپا، آمریکا و اسرائیل ایجاد کنند. اسرائیل و ترکیه، متحد اصلی کشور، تا حد زیادی به آمادگی نظامی و فنی آذربایجان کمک کرده‌اند.

در این چارچوب، روابط آذربایجان و روسیه ویژه است. حتی اگر باکو به ساختارهای نظامی و سیاسی مورد علاقه روسیه نپیوسته، آذربایجان توانسته مانع از دشمنی با مسکو شود، به ویژه با عدم تلاش برای نزدیکی با غرب. از نظر مسکو، این اشتباهی است که گرجستان و ارمنستان مرتکب شده‌اند. به همین ترتیب، بر خلاف بسیاری از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق، آذربایجان به اصطلاح «انقلاب رنگی» را تجربه نکرده است (۱). این قیام‌ها اغلب آغشته به روحیه ضد روسی غیر قابل تحمل برای مسکو بوده است. در جامعه آذربایجان، خصومت کمی نسبت به روسیه وجود دارد که زبان و فرهنگ آن به ویژه در میان نخبگان تحصیل کرده باکو از اعتبار خاصی برخوردار است. سرانجام، روابط اقتصادی در تعادل ژئواستراتژیک روسیه و آذربایجان نقش سنگینی دارد. ایروان به این واقعیت‌ها بی‌توجه باقی ماند.

ناگفته نماند که آذربایجان نیز دیگر کشور سال ۱۹۹۰ نیست و از سال ۱۹۹۶ خط لوله باکو-نفتلیس-جیحان آن را به یک قدرت نفت و گاز غنی و با نفوذ برای تامین منابع منطقه‌ای و اروپایی تبدیل کرده است.

روابط روسیه و ترکیه

به نظر می‌رسد پوتین از مشارکت نظامی قاطع ترکیه، که متحد آذربایجانی را قادر به پس گرفتن مناطق از دست رفته خود کرد، ناراضی است و در آن فعال شدن ترکیه در قفقاز را می‌بیند. جایی که عثمانی‌ها یک قرن و نیم پیش توسط نیروهای تزار بیرون رانده شده بودند. دلایل پیچیده‌ای برای این‌که پوتین حمله ترکیه به قفقاز را بپذیرد، وجود دارد. او به ترکیه، هم به مثابه یک کشور رقیب و هم یک کشور حائل در صحنه منطق دیگری به جز قفقاز، در سوریه و لیبی، و هم‌پیمانی در برابر غرب که روس‌ها و ترک‌ها می‌خواهند آن را دور از حل و فصل منازعات منطقه‌ای نگه دارند، نیاز دارد.

پوتین توانسته از اختلاف بین ترکیه و متحدان سنتی غربی اش برای تضعیف، حتی بی‌ثبات کردن ناتو بهره گیرد. او که در این کار تا حدی موفق بوده امروز به جایی رسیده که مجبور به پرداخت هزینه برای آن است، چرا که قادر به کنترل رفتار مالیخولیایی و توسعه‌طلبانه اردوغان نیست. ترکیه با فاصله گرفتن از غرب، به روسیه نزدیک‌تر شده است. در حالی‌که بحران سوریه موجب از هم گسستگی ناتو شده، و اگرچه آنکارا و مسکو از مواضعی مخالف در سوریه دفاع می‌کنند، روسیه به نگرانی‌های امنیتی ترکیه توجه و همراهی بیش‌تری نشان داده است. روسیه به عنوان یک قدرت نیابتی در سوریه، به ترکیه اجازه داد تا برای اطمینان بیش‌تر از امنیت مرز طولانی خود در این کشور حضور داشته باشد تا از نفوذ چریک‌های حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)، جلوگیری کند.

علاوه بر این، پوتین با سوءاستفاده از بی‌اعتمادی غرب برای تجهیز ترکیه به موشک‌های پاتریوت - ۴۰۰ S خود را به آنکارا بفروشد تا ترکیه برای تضعیف رقیب غربی بهره گیرد. علاوه بر این، همکاری‌های اقتصادی و انرژی بین روسیه و ترکیه آن قدر مهم و متنوع است که اقتصاد آن‌ها را بسیار به یکدیگر وابسته کرده است.

روسیه از نظر سیاسی، استراتژیک، اقتصادی، رهایی ترکیه را از دام غرب همراهی کرده است، حتی اگر به بهای شکوفایی این کشور در فضای قفقاز و در طولانی مدت در شرق میانه باشد. پایان دادن به جاه‌طلبی‌های اردوغان در «خارج از مرزهای» نزدیکش برای روسیه به معنی حمله نیابتی است که عوارض هشداردهنده روشنی خواهد داشت.

ترکیه در قفقاز در حال پیشروی است، زیرا حمایت آن از آذربایجان در پیروزی باکو نقش مهمی داشت. از نظر سهم‌خواهی، او یک راهرو بین نخجوان و آذربایجان به دست می‌آورد، که برای او به معنای ارتباط با بقیه جهان ترک زبان است. یک خط ارتباطی که از استانبول به دامنه‌های آسیای میانه می‌رود، به عبارت دیگر تحقق یک رویای قدیمی ترکیه.

در واقع ترکیه که اتحادیه اروپا دست رد به سینه آن زده، در جست‌وجوی جایگاه خویش در جهان است. از این‌رو، به سوی روسیه، رو آورده است.

روسیه اجازه نداد ترکیه در نخجوان پایگاه نظامی تاسیس کند

روزنامه «ینی مساوات» چاپ باکو خبر داد کارشناسان ارمنی می‌گویند روسیه اجازه نمی‌دهد ترکیه در نخجوان به طور رسمی پایگاه نظامی دایر کند، اما ترکیه به تدریج موقعیت خود در نخجوان را تقویت می‌کند.

پایگاه اینترنتی روزنامه «ینی مساوات» نوشت با آن‌که هیچ‌یک از مقامات رسمی باکو و آنکارا، سخنی درباره دایر شدن پایگاه نظامی ترکیه در نخجوان بیان نکرده‌اند، انتشار اخبار غیررسمی و تایید نشده در این‌باره، موجب تشویش ارامنه شده است و ارامنه اقدام به پیش‌دستی در عرصه تبلیغات کرده‌اند.

ینی مساوات نوشت استغنان صفریان، کارشناس سیاسی ارمنی در گفت‌وگو با پایگاه خبری «نخستین» ارمنستان گفته است: «روسیه اجازه نمی‌دهد ترکیه وارد قفقاز بشود. هراندازه هم ترکیه با سلاح و مربیان نظامی و مشاورانش از ارتش (جمهوری) آذربایجان حمایت کند، نخواهد توانست موجودیت نظامی خود در جمهوری آذربایجان را رسمیت بخشد. به نظر من، ترکیه عمادانه با انتشار خبر احتمال دایر شدن پایگاه نظامی این کشور در نخجوان، درصدد ارزیابی واکنش روسیه برآمده است. ترکیه نمی‌تواند چنین گامی را بردارد. زیرا، چنین حرکتی طرح‌های استراتژیک میان ترکیه و روسیه را به مخاطره می‌اندازد. دشوار است که ترکیه بتواند برای ورود خود به نخجوان، از روسیه اجازه بگیرد.»

تاتو ایراپتیان، کارشناس مسایل جمهوری آذربایجان در ارمنستان نیز گفت: «روشن است که ترکیه مواضع خود را در نخجوان گام‌به‌گام تقویت می‌کند. آنکارا اکنون از احداث خط آهن به نخجوان سخن می‌گوید و احداث خط آهن ترکیه به نخجوان به معنای

تقویت قدرت ترکیه در نخجوان است. اما دایر شدن پایگاه نظامی ترکیه در نخجوان، امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد. روسیه راضی نمی‌شود که جمهوری خودمختار نخجوان به قلعه‌ای برای ترکیه در منطقه تبدیل شود.»
روسیه و ترکیه در حالی که نسبت به تهدید بروز یک تقابل گسترده‌تر حساس هستند، فعلا دست داشتن‌شان در نزاع قره‌باغ را محدود به مذاکره و میزانی از کمک نظامی کرده‌اند.

تصمیم سنای فرانسه درباره قره‌باغ

مجلس سنای فرانسه روز پنج‌شنبه ۲۶ نوامبر-۶ آذر متن پیشنهادی قطع‌نامه‌ای را به تصویب رساند که در آن از دولت این کشور خواسته شده است تا منطقه ناگورنو قره باغ را به عنوان یک جمهوری مستقل به رسمیت بشناسد و از نیروهای آذربایجان بخواهد که از این منطقه «فورا» عقب‌نشینی کنند.
در متن پیش‌نویس این قطع‌نامه از رفتار نیروهای آذربایجان در «کشتار» ارمنه به شدت انتقاد شده و سیاست ترکیه در حمایت از آذربایجان در نبرد اخیر قره باغ نیز به باد انتقاد گرفته شده است.
سناتور برونو رتایو، پیشنهاددهنده اصلی متن این قطع‌نامه در سخنرانی خود از این که دولت فرانسه به عنوان رییس مشترک گروه مینسک در جریان توافق ارمنستان و آذربایجان برای پایان بخشیدن به درگیری نبوده، به شدت ابراز ناخرسندی کرد. او با یادآوری سخنان الهام علی‌اف در روز بعد از امضای توافق که گفته بود «ارمنی‌ها را مثل سگ بیرون انداختیم»، از دولت اماتونل ماکرون خواست تا از پشت «نقاب دیپلماتیک» بیرون آمده و به موضع‌گیری‌های خنثی علیه آذربایجان و پشتیبان منطقه‌ای‌اش یعنی ترکیه بسنده نکند.
گرچه تصمیم سنای فرانسه ارزش نمادین دارد، اما این نخستین بار است که یک نهاد رسمی حکومتی در جهان استقلال جمهوری قره‌باغ را به رسمیت می‌شناسد. این در صورتی است که حتی خود ارمنستان نیز استقلال این منطقه را به رسمیت نمی‌شناسد و در وقایع اخیر تنها با ادعای حمایت از ارمنی‌تباران پا به عرصه درگیری نظامی با آذربایجان نهاد.

موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال مسئله قره‌باغ

گزارش‌هایی اخیرا توسط رسانه‌های ترکیه و به‌ویژه رسانه‌های آذربایجان منتشر شده، حکایت از آن دارد که به علت عدم همکاری گرجستان با روسیه در نقل و انتقال جنگ‌افزار به ارمنستان، اقدام به ارسال جنگ‌افزار به ارمنستان می‌کند.
وبسایت آذربایجانی «news.az1» با انتشار گزارش و همچنین تصویری از یک کامیون، مدعی شده بود که ایران در تجهیز نظامی ارمنستان نقش دارد. در این گزارش آمده بود که به علت عدم همکاری گرجستان با روسیه در نقل و انتقال جنگ‌افزار به ارمنستان، مسکو خواستار همکاری و مشارکت قزاقستان، ترکمنستان و ایران شده است.
در این گزارش آمده بود که هواپیماهای پاربری بزرگ «ایلیوشین ایل-۷۶» روسیه پس از مسدود شدن فضای گرجستان ناگزیر شده‌اند جنگ‌افزارهای خود را از شهرهای روستوف و مین‌ودی در روسیه به شهر آق‌تاو واقع در قزاقستان، شهر ترکمن‌باشی در ترکمنستان و همچنین به نوشهر در ایران ارسال کنند.
رسانه‌های آذربایجان و برخی از رسانه‌های ترکیه مدعی شده‌اند که جمهوری اسلامی با کامیون محموله نظامی ترخیص‌شده در نوشهر را به ارمنستان ارسال کرده است.
طبق این گزارش‌ها جمهوری اسلامی ایران با کامیون محموله نظامی ترخیص‌شده در نوشهر را به ارمنستان ارسال کرده است؛ موضوعی که از سوی سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، تکذیب شده است.
از سویی چهار نماینده علی‌خامنه‌ای در استان‌های ترکمنشین ایران هم با صدور بیانیه‌ای از جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان حمایت کرده‌اند.
این گمانه نیز وجود دارد که حمایت صریح نمایندگان آیت‌الله خامنه‌ای از جمهوری آذربایجان بیش‌تر مصرف داخلی داشته و برای آرام کردن معترضان انجام شده است.
در آن روزها خبرهایی در مورد تجمع‌های اعتراضی شهروندان استان‌های آذری‌نشین ایران در اعتراض به «حمایت جمهوری اسلامی از ارمنستان» منتشر شده است. برخی نهاد‌های حقوق بشر بین‌المللی مثل عفو بین‌الملل، از بازداشت معترضان خیر دادند.
حتی علی‌مطهری نماینده سابق مجلس شورای اسلامی نیز با انتشار یک پست توئیتری از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی خواسته است تا «به خاطر ملاحظات قومی جانب ارمنستان را نگیرد.»
مطهری حتی خطاب به آن بخش از حاکمیت جمهوری اسلامی که خواستار آتش‌بس در بحران قره‌باغ شده، گفته است که «دعوت به مذاکره هم کافی نیست، باید دید حق با کدام طرف است.»
هشدار مطهری به وزارت امور خارجه ایران درباره پرهیز از جانبداری به سود ارمنستان در شرایطی منتشر می‌شود که رسانه‌های ترکیه و جمهوری آذربایجان، ایران را متهم به مشارکت در تجهیز نظامی ارمنستان کرده‌اند.
به این ترتیب رویارویی نظامی بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان، اختلاف نظر در جمهوری اسلامی پیرامون بحران قره‌باغ را در پی داشته است. بخشی از سپاه قدس عملا در بحران قره‌باغ در کنار نیرویی قرار گرفته که در سوریه علیه آن می‌جنگند.
درباره اعزام نظامیان مزدور به منطقه قره‌باغ، اخبار متفاوتی منتشر شده است. خبرگزاری آلمان امروز شنبه سوم اکتبر ۱۲ مهر با انتشار گزارشی از باکو و ایروان، به ابراز نگرانی بین‌المللی نسبت به حضور نیروهای مزدور در رویارویی نظامی در قره‌باغ اشاره کرده است.
گفته می‌شود که سرگنی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در همین رابطه با همتای ایرانی خود محمدجواد ظریف، تماس و گفت‌وگو داشته است. بدیهی است که حضور جنگ‌جویان دیگر کشورهای خاورمیانه در منازعات قره‌باغ، به این درگیری منطقه‌ای ابعاد گسترده‌تری می‌بخشد.

خبر اعزام جهادگرایان سوری توسط ترکیه به منطقه قره‌باغ ابتدا توسط دفتر دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن منتشر شد.

نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان نیز ظرف روزهای گذشته بارها از مداخله نظامی و اعزام نیرو توسط ترکیه به منطقه قره‌باغ سخن گفته بود. نخست‌وزیر ارمنستان از حضور چندین هزار مزدور و جهادگرا در حمایت از ارتش آذربایجان خبر داده است.

روسیه و فرانسه نیز درباره حضور جهادگرایان مسلمان در جنگ قره‌باغ ابراز نگرانی کرده و امانوئل مکرون رسماً از ترکیه در این ارتباط توضیح خواسته است.

دفتر دیده‌بان حقوق بشر سوریه از حضور ۸۵۰ جهادگرای سوری در منطقه قره‌باغ خبر داده است. همین مرکز حتی در اطلاعیه آخر خود نوشته است که تا کنون دستکم ۲۸ جنگجوی سوری در قره‌باغ کشته شده‌اند.

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، به گزارش‌هایی اشاره می‌کند که توسط سازمان‌های اطلاعاتی تهیه شده‌اند. بر اساس این گزارش‌ها، گفته شده است که ترکیه دستکم ۳۰۰ مزدور سوری را به منطقه قره‌باغ اعزام کرده است. این افراد بخشی از شورشیان سوری هستند که از حمایت و پشتیبانی ترکیه در جنگ علیه بشار اسد برخوردارند.

گزارش‌های منتشرشده از سوی سازمان‌های اطلاعاتی حکایت از آن دارند که ترکیه این افراد را از منطقه غازیان‌تپه به قره‌باغ اعزام کرده است.

این در حالی است که خبرگزاری آلمان حتی از حضور مزدوران لیبایی در جنگ بین ارمنستان و آذربایجان خبر داده است. گفته می‌شود که این افراد نیز به موازات جهادگرایان سوری، برای حمایت و پشتیبانی از ارتش آذربایجان در نزارات قره‌باغ حضور دارند.

درگیری در قره‌باغ همواره یکی از مسائل مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نزدیک به سه دهه گذشته بوده است.

افزون بر این، به لحاظ جغرافیایی نیز موضوع قره‌باغ تنها چالشی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیست. ایران نیز می‌تواند بر اثر اوج گرفتن درگیری‌ها در قره‌باغ و تشدید رویارویی نظامی دو کشور ارمنستان و آذربایجان آسیب ببیند.

به عنوان نمونه، خبرگزاری مهر امروز شنبه ۱۲ مهر با انتشار گزارشی، خبر از اصابت چندین خمپاره به روستاهای نزدیک اصلاندوز داده است. در این گزارش آمده است: «بیش از ۲۰ خمپاره به مناطق مرزی و حاشیه رود ارس و روستاهای مرزی شهرستان اصلاندوز اصابت کرده است.»

مهر در گزارش خود منشا این خمپاره‌ها را روشن نکرده است. در خبر منتشرشده از سوی این خبرگزاری حتی به احتمال آسیب دیدن سد «میل» مغان اشاره شده است که در صورت وقوع آن، تامین آب مغان می‌تواند دستخوش اختلال شود.

بنابراین می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران در یک بن‌بست سیاسی در ارتباط با بحران قره‌باغ قرار گرفته است: دفاع از «اراضی اسلامی» به گفته خامنه‌ای یا همکاری با ارمنستان و روسیه، برای محدود کردن نقش ترکیه در منطقه.

مقامات جمهوری اسلامی ایران از انتشار تصاویر جنجالی سایت‌های نزدیک به سپاه پاسداران ایران از علی‌اف و همسرش سکوت کرده‌اند. زیر تصاویر نوشته شده «این تصاویر از لنز دوربین اسلحه تک تیرانداز ایرانی گرفته شده است.»

مناطق مرزی ایران و آذربایجان از جمله فضولی و جبرئیل نخستین شهرهای آذربایجان بودند که پس از جنگی شدید از تصرف ارتش ارمنستان خارج شد و نیروهای مرزی آذربایجان در این منطقه مستقر شدند.

الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان به همراه مهربان علی‌وا همسرش در حالی که یونیفرم نظامی به تن داشتند از شهرهای آزاد شده بازدید کرد.



منطقه مرزی ایران و آذربایجان نخستین منطقه‌ای بوده است که الهام علی‌اف از آن بازدید کرد. در فیلمی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده علی‌اف با نشان دادن مرز ایران و کشورش می‌گوید: «این‌جا مرز دوستی است.»

عباس موسوی سفیر ایران در باکو ضمن استقبال از این پیام رئیس‌جمهور آذربایجان بلافاصله با ارسال توییتی واکنش نشان داد و نوشت: «ریشه‌های مشترک تاریخی، فرهنگی و دینی ایران و جمهوری آذربایجان، مرزهای دو کشور را برای ابد به مرزهای صلح و دوستی تبدیل کرده است.»

اما دیری نپایید که «سپاه سایبری پاسداران» و رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران با انتشار تصاویر الهام علی‌اف و همسرش مهربان علی‌وا از مرز ایران و آذربایجان نوشتند که «این تصاویر از لنز دوربین اسلحه تک‌تیرانداز ایرانی گرفته شده است» و رئیس‌جمهور آذربایجان در تیررس تک‌تیراندازان ایران بوده است. برخی از کاربران نزدیک به سپاه که از این اقدام تمجید کرده بودند نوشتند رئیس‌جمهور آذربایجان کاملاً تحت نظر نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران بوده و هر حرکت او را در این بازدید ثبت کرده‌اند. از طرفی مقامات جمهوری آذربایجان نیز درباره این موضوع سکوت اختیار کرده‌اند.

ایران تجهیزات زرهی و توپخانه‌ای به مناطق مرزی با جمهوری آذربایجان ارسال کرده است. سرتیپ علی حاجیلو فرمانده قرارگاه شمال غرب ارتش روز جمعه ۱۶ آبان - ۶ نوامبر اعزام تجهیزات زرهی و توپخانه‌ای به مناطق مرزی شمال غرب کشور را تایید کرد.

حاجیلو درباره علت اعزام جنگ‌افزارهای سنگین ایران به مرز جمهوری آذربایجان گفته است «ماموریت داریم بررسی کنیم تا آسایش مرزنشینان زیر سنوال نرود.» او افزود «ارتش مسنولیت دارد در برابر هر گونه تعرض و تعدی دشمن، دفاع کند.» اما فرمانده ارتش شمال غرب ایران مشخص نکرد در مرز با جمهوری آذربایجان به دنبال کدام دشمن می‌گردد. جمهوری آذربایجان با ایران ۷۵۰ کیلومتر مرز دارد که حدود ۱۳۰ کیلومتر آن از سال ۱۹۹۴ در اشغال ارمنستان بود. از سه هفته پیش تمام این مرز ۱۳۰ کیلومتری دوباره به کنترل جمهوری آذربایجان درآمده است. توحید جواد یک فعال رسانه‌ای روز جمعه ۱۶ آبان با انتشار فیلمی از ادامه انتقال تجهیزات سنگین به مرز ایران با جمهوری آذربایجان در توئیتر نوشت: «انتقال این حجم از نیروهای زرهی جمهوری اسلامی به مرز آذربایجان اصلاً طبیعی نیست. حضور «تکفیری‌ها» هم بهانه‌ای بیش نیست. آیا ایران از چیزی خبر دارد که ما نداریم؟»

ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی نیز گفته است: «حضور نیروهای تکفیری در منطقه» جزو دغدغه‌های مجلس و وزارت خارجه ایران است. او خاطرنشان کرد که ایران ضمن احترام به حقوق کشورها از جمله تمامیت ارضی آنها، خواستار پایان سریع درگیری‌های قره‌باغ هست و نسبت به حضور نیروهایی که از دیگر کشورها وارد این مناقشه می‌شوند نگران است. او همچنین تاکید کرد که نیروهای خارجی حاضر در قره‌باغ به دنبال طولانی کردن جنگ هستند. محمد جواد ظریف، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران روز گذشته «انتقال و حضور تروریست‌های تکفیری» در قره‌باغ را تائید کرد و ضمن اشاره به «احتمال حضور صهیونیست‌ها در این منطقه» به ارمنستان و آذربایجان و همچنین روسیه و ترکیه به عنوان حامیان آن‌ها هشدار داد که جمهوری اسلامی حضور این نیروها در نزدیکی مرزهای خود را تحمل نخواهد کرد. گفته می‌شود ترکیه شماری از شبه‌نظامیان مخالف حکومت بشار اسد را از استان ادلب در شمال شرق سوریه که تحت کنترل ارتش این کشور است به جبهه‌های نبرد با ارمنستان اعزام کرده است. جمهوری اسلامی این نیروها را «تروریست‌های تکفیری و بقایای داعش» می‌خواند.

پیامدهای اقتصادی آتش‌بس قره‌باغ برای ایران

جزئیات توافق روز سه‌شنبه ۱۰ نوامبر آتش‌بس در قره‌باغ کوهستانی افقی جدید برای صحنه تجارت منطقه‌ای باز کرده که بیش‌تر از همه، ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. یکی از مفاد آتش‌بس توافق شده میان روسای جمهور آذربایجان، روسیه و نخست‌وزیر ارمنستان ایجاد یک کریدور حمل کالا و تردد مسافران در خاک ارمنستان است و جمهوری آذربایجان را به نخجوان وصل خواهد کرد. نظارت بر این کریدور بر عهده قوای حافظ صلح روسیه است. تاکنون تنها مسیر کوتاه زمینی که نخجوان را به سرزمین مادری آذربایجان وصل می‌کرد، استفاده از خاک ایران بود. در این میان ترکیه تنها یک روز بعد از اعلام آتش‌بس قره‌باغ، اعلام کرد که قصد احداث خط آهن از شهر قارص ترکیه تا نخجوان را دارد.

جمهوری خودمختار نخجوان با باریکه‌ای به نام صدرک با ترکیه مرز مشترک دارد. نکته مهم این‌که، حتی قبل از فروپاشی شوروی، خط آهن در مسیر نخجوان-ارمنستان-آذربایجان وجود داشت و برای ۵۰ سال فعال بود و اکنون دوباره این مسیر راه‌اندازی خواهد شد.

تنها ۵۰ کیلومتر از این مسیر در خاک ارمنستان قرار دارد و تعمیر آن شاید چند ماه نیز به طول نکشد. از طرفی نخجوان برای بیش از دو دهه است که گاز خود را از ایران تامین می‌کند؛ بدین صورت که آذربایجان در منطقه مرزی آستارا روزانه یک میلیون متر مکعب گاز به ایران تحویل می‌دهد و ایران ۱۵ درصد آن را به‌عنوان حق ترانزیت کسر کرده و بقیه را تحویل نخجوان می‌دهد. اما زمستان پارسال ترکیه و آذربایجان توافق کردند که خط لوله گازی در مسیر شهر ایغدیر ترکیه تا نخجوان کشیده شود و دیگری نیازی به گاز ایران نخواهد بود.

هم‌اکنون آذربایجان از دو مسیر به ترکیه گاز صادر می‌کند: باکو-تفلیس-ارزروم و خط لوله کریدور جنوبی که هر دو آن‌ها از منطقه قارص ترکیه می‌گذرند و از این منطقه تا ایغدیر خط لوله جداگانه گازی موجود است.

تبعات تجاری و اقتصادی ایجاد کریدور نخجوان-ارمنستان-آذربایجان و پرداختن به تامین گاز نخجوان است. بدین ترتیب نقش ترانزیتی ایران در منطقه کم‌رنگ‌تر خواهد شد و دیگر نیازی به گاز ایران برای نخجوان نخواهد بود.

این‌که سه دهه قبل ارمنستان به غیر از قره‌باغ کوهستانی که اکثریت ساکنان آن ارمنی بودند، هفت منطقه ترک‌نشین دیگر را نیز تحت عنوان «منطقه حائل برای قره‌باغ» اشغال کرده بود که اتفاقاً سه منطقه هم مرز با ایران بود که شامل فضولی، جبرائیل و زنگیلان است و منطقه قبادلی نیز بسیار نزدیک به مرزهای ایران قرار داشت.

بعد از جنگ ۴۴ روزه و بر اساس توافق آتش‌بس، همه مناطق هفت‌گانه ترک‌نشین به آذربایجان تحویل داده شد.

در جریان اشغال قره‌باغ و هفت منطقه یاد شده، حدود یک میلیون آذربایجانی آواره شده بودند که ۴۰۰ هزار نفر آن ساکنان سه منطقه مرزی با ایران بودند.

اکنون این مناطق بازپس گرفته شده و ساکنان آن‌ها دوباره به خاک خود بازخواهند گشت؛ اگرچه تصاویر و ویدیوهای منتشر شده از این مناطق نشان می‌دهد که تقریباً همه شهرها و روستاها طی این سه دهه اشغال و ترک سکنه شدن اراضی، از بین رفته و باید دوباره ساخته شوند.

اما این مناطق ۱۳۲ کیلومتر با ایران مرز مشترک دارند و احیای دوباره شهرها و روستاها، ایجاد گذرگاه‌ها و بازارهای مرزی به رونق تجارت آذربایجان و ایران منجر خواهد شد.

همچنین چند سال پیش جمهوری آذربایجان قرارداد ساخت مشترک دو نیروگاه آبی بر روی رود ارس را با ایران امضاء کرد و این نیروگاه‌ها در واقع در منطقه خداآفرین که بخش آذربایجانی آن تحت اشغال بود، ساخته شدند.

همان زمان توجیه دولت باکو این بود که اگر این مناطق اشغالی آزاد شود، خود آذربایجان از آب سدها و برق تولیدی (۵۰ درصد ایران و ۵۰ درصد آذربایجان) استفاده خواهد کرد و اگر نشود، سهم آذربایجان از آب و برق این پروژه‌ها به ایران فروخته خواهد شد. ساخت این نیروگاه‌ها طی سه سال گذشته ادامه داشته و اکنون انگیزه مضاعفی برای آذربایجان برای تکمیل آن‌ها در آینده نزدیک ایجاد شده است. هر دو کشور در شرایط فعلی نیاز به تکمیل سریع این پروژه‌ها برای آبیاری مناطق مرزی و تامین برق این مناطق دارند.

نکته مهم این‌که با وجود شیوع کرونا، افت درآمدهای نفتی و جنگ قره‌باغ، ذخایر ارزی آذربایجان نسبت به پارسال تغییری نکرده و در محدوده ۵۰ میلیارد دلار، یعنی بیش از کل تولید ناخالص داخلی کشور، قرار دارد و دولت باکو سرمایه‌های لازم برای احیای زندگی در مناطق بازپس گرفته شده را دارد.

بیانیه مشترک آمریکا، روسیه و فرانسه

سه کشور آمریکا، روسیه و فرانسه روز پنجشنبه سوم دسامبر ۲۰۲۰ با انتشار بیانیه مشترکی خواستار خروج فوری جنگجویان اجاره‌ای خارجی از اقلیم قره‌باغ که آذربایجان و ارمنستان در آن درگیرند، شدند.

این بیانیه همچنین از دو طرف درگیر خواست به احترام قوانین بین‌المللی اقدام به تبادل اسراء و اجساد کشته‌گان کنند.

دیدبان حقوق بشر سوریه هم اعلام کرد به داده‌های جدیدی درباره موضوع پیکارجویان اجاره‌ای آذربایجان دست یافته و این اطلاعات را تعدادی از این جنگجویان که از قره‌باغ به سوریه بازگشته‌اند، در اختیار این سازمان قرار داده‌اند.

بر همین اساس این جنگجویان حقوق‌های متفاوتی دریافت کرده‌اند، به برخی از آن‌ها ۶۰۰ لیر ترکیه، به برخی ۳۵۰۰ دلار آمریکا، به گروهی دیگر ۱۰۰۰ لیر ترکیه و به گروه دیگری ۱۰۰۰ دلار آمریکا پرداخت شده است. تعدادی از آن‌ها هم مبلغ ۵۰۰۰ لیر ترکیه را در دو مرحله گرفته‌اند. به این پیکارجویان قول داده شده همه طلب‌های آن‌ها در روزهای آینده پرداخت خواهد شد.

به گفته دیدبان حقوق بشر سوریه تعداد کشته‌شدگان جنگ ارمنستان-آذربایجان در قره‌باغ بیش از جنگجویان اجاره‌ای کشته شده در جنگ لیبی است. تعداد کشته‌های جنگجویان سوریه‌ای که ترکیه به قره‌باغ فرستاد به ۵۱۴ نفر رسید در حالی که تعداد کشته‌های سوری جنگ لیبی ۴۹۶ نفر اعلام شد.

براساس اخباری که در اختیار این نهاد حقوق بشری قرار گرفته اجساد تعدادی از سوری‌های کشته شده در قره‌باغ به همراه پیکارجویان که به آذربایجان بازگشتند، فرستاده شد و تعداد آن‌ها ۳۴۰ نفر اعلام شد.

هنوز از مجموع ۲۵۸۰ پیکارجویی که ترکیه به قره‌باغ فرستاد، ۸۲۵ نفر در آذربایجان حضور دارند و اطلاعاتی از سرنوشت دیگران در حال حاضر در دست نیست.

بعد از آن‌که ارمنستان گزارش دستگیرکردن دو شبه نظامی سوری را داد، روسیه برآورد کرد ۲۰۰۰ مزدور اهل خاورمیانه در جنگ شرکت دارند.

خط لوله باکو - تفلیس - جیهان

در دوره‌ای که حوزه دریای خزر در هاله‌ای از ابهام فرو رفته بود و روسیه مشغول مسائل داخلی (چچن، تا تارستان و...) و پیرامونی (بالکان، مولداوی و اوکراین) بود، غربی‌ها از خلاء موجود استفاده کردند. در آن مقطع، ایران نیز که از کنسرسیوم نفت خزر خلع ید شده بود و در نتیجه راه برای سرمایه‌گذاران آمریکایی این امر مصادف با کاهش قیمت نفت خام و رسیدن آن به حدود ۱۵ دلار برای هر بشکه بود. در آن دوره، خط لوله باکو - تفلیس - جیهان طرح‌ریزی شد. اعتباری به مبلغ ۲/۷ میلیارد دلار برای ساخت آن برآورد شد. در گزارشی به نام «جنگ سوم نفت» گفته شده است که پایین آمدن قیمت نفت به شکل عمده و از سوی کارتل‌های نفتی صورت گرفت تا آن‌ها رقیبی برای سرمایه‌گذاری در کنسرسیوم نفت خزر نداشته باشند در این هنگام، کارتل‌های نفتی عملیات خود را آغاز کردند، در حالی که از هر سو فضای لازم را در اختیار داشتند.

طول خط لوله باکو - تفلیس - جیهان که از نزدیکی باکو آغاز و با گذر از تفلیس، پایتخت گرجستان، به بندر جیهان در ساحل دریای مدیترانه در جنوب شرقی ترکیه منتهی می‌شود، ۱۷۶۸ کیلومتر است. (۱۱۰۰ مایل) طول این خط در هر یک از سه کشور به شرح زیر است:

- در قلمرو آذربایجان، ۴۴۵ کیلومتر

- در قلمرو گرجستان، ۳۴۵ کیلومتر

- در قلمرو ترکیه، ۱۰۷۰ کیلومتر.

این خط لوله از کنار دریای خزر در مسیگناچال در جنوب بندر باکو از ارتفاع ۲۸ متری تا ۲۸۰۰ متری از سطح دریای خزر کشیده شده و کوه‌های قفقاز و آناتولی شرقی را قطع می‌کند.

خط لوله مزبور از اراضی ۲۰۰۰۰ مالک خصوصی و شرکت عبور می‌کند و برای تملک این اراضی مبلغ ۱۳۳ میلیون دلار پرداخت شده است. در طول خط لوله ۸ ایستگاه پمپاژ، در آذربایجان و گرجستان هر کدام ۲ ایستگاه و در ترکیه ۴ ایستگاه می‌باشد. خط لوله از ۱۵۰۰۰۰ شاخه لوله که هر کدام ۱۲ متر طول دارند، تشکیل شده است که وزن کل این لوله‌ها حدود ۶۵۵۰۰۰ تن است.

حوزه نفتی منابع «آذری - چراغ - گونشلی» که ذخایر آن حدود ۵ تا ۵/۴ میلیارد بشکه برآورد شده است، نفت خود را از طریق این خط لوله انتقال خواهد داد.

فاز اول این طرح که حدود ۲/۶ میلیارد دلار برای انجام آن هزینه شده است، شامل ۱۸۸ کیلومتر خط لوله زیر دریاست که در عمق ۱۸۸ متری نفت استخراج و به پایانه نفتی مسنگاچال» در نزدیکی باکو منتقل می‌شود. برآورد شده است که حجم نفت انتقالی در سال ۲۰۱۰ به حدود یک میلیون بشکه در روز برسد.

طراحی خط لوله برای تمام مسیر، به گونه‌ای است که در برابر خوردگی مقاوم باشد. پایانه دریایی جیهان دارای ۷ مخزن تانکر نفت خام، یک ایستگاه اندازه‌گیری، تصفیه خانه فاضلاب و ظرفیت بارگیری دو کشتی تانکر به ظرفیت ۳۰۰۰۰۰ تن است.

دمای نفت خام در ابتدای لوله ۳۰ درجه است که امکان شناور شدن و حرکت آسان مایع را فراهم می‌سازد و به تدریج از دمای آن کاسته می‌شود. در کوهستان‌ها، به ویژه در زمستان، دمای محیط به ۴۰ درجه و دمای زمین ۵ درجه خواهد رسید که درجه غلظت نفت خام را افزایش می‌دهد. سرعت جریان نفت خام در لوله ۲ متر در ثانیه است.

خط لوله دارای ۴ ایستگاه اندازه‌گیری است که در عمق حداقل یک متری کار گذاشته شده‌اند، اگر چه در برخی موارد تا عمق ۱۰ متری نیز رسیده است.

بستری که خط لوله در آن کار گذاشته شده، نواری است به عرض ۳۲ متر که قابل افزایش تا ۴۴ متر می‌باشد. این عرض برای عبور خط لوله گاز دریای خزر تا مرز ترکیه پیش‌بینی شده است.

در قطعه اول خط لوله که از آذربایجان می‌گذرد، قطر لوله ۱۰۷۰ میلی‌متر است. هنگامی که این خط لوله از دشت به منطقه کوهستانی قفقاز می‌رسد و وارد گرجستان می‌گردد، قطر آن به ۱۱۷۰ میلی‌متر افزایش می‌یابد، سپس هنگامی که مرز آناتولی را پشت سر می‌گذارد، مجدداً قطر آن به ۱۰۷۰ میلی‌متر و در نزدیکی جیهان به ۸۵۶ میلی‌متر می‌رسد.

اعتبارات هزینه شده برای این طرح ۳/۷ میلیارد دلار اعلام شده است. شرکت بریتیش پترولیوم عامل اجرایی این پروژه بوده است.

این خط لوله به طور رسمی در تاریخ ۲۵ مه ۲۰۰۵ در پایانه نفتی سنگاچال، با حضور الهام علی‌وف (رییس‌جمهور آذربایجان)، میخائیل ساکاشویلی (رییس‌جمهور گرجستان)، احمد نجات سز (رییس‌جمهور ترکیه) و نور سلطان نظربایف (رییس‌جمهور قزاقستان) افتتاح شد.

پروژه خط لوله از نفت خام از تاریخ ۲۵ مه ۲۰۰۵ آغاز شد. سهامداران این کنسرسیوم عبارتند از: بدین ترتیب مشخص می‌شود که ایالات متحده آمریکا با مالکیت ۱۳/۷۶ درصد از کل سهام، بعد از آذربایجان، دومین سهام‌دار بزرگ این طرح است. برای پر شدن خط لوله از نفت خام شش ماه زمان لازم است. ظرفیت لوله برای عبور یک میلیون بشکه در روز طراحی شده است. (سالانه ۵۰ میلیون تن نفت خام) عمر مفید این طرح ۴۰ سال تعیین شده است.

امنیت لوله از اهمیت خاصی برای سهامداران و کشورهای ترانزیتی برخوردار است. به همین دلیل خط لوله تحت نظارت شدید امنیتی است و از آن مسلحانه و با استفاده از فناوری تلویزیون‌های مدار بسته حفاظت می‌شود. از آنجا که ممکن است این خط لوله مورد هجوم تروریست‌ها قرار گیرد، تدابیر شدید امنیتی برای حفاظت از آن در نظر گرفته شده است.

این خط لوله در طول مسیر خود، از ۱۷۶ نقطه مختلف که مستعد بترسباتی می‌باشند، عبور می‌کند. به همین سبب، نیروی نظامی ویژه آموزش دیده از سوی ارتش ایالات متحده، شامل ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سرباز گرجی، که در زمینه مبارزات ضد تروریستی آموزش دیده‌اند، برای این منظور تدارک دیده شده‌اند. برای آموزش این تعداد نیرو و تجهیزات مورد نیاز ۶۴ میلیون دلار هزینه شده است.

با توجه به بحران قره‌باغ، احتمال می‌رود که در صورت شدت گرفتن بحران ناشی از حملات نظامی آذربایجان به قره‌باغ، این خط لوله تحت تاثیر جریان‌های مزبور قرار گیرد. قره‌باغ، منطقه‌ای کوهستانی است که در جنوب مسیر خط لوله قرار دارد. این امکان وجود دارد که ناآرامی در این منطقه به شمال تسری پیدا کند. و برای صدور آرام نفت مشکلات و موانعی ایجاد کند. در قلمرو ترکیه نیز در آناتولی شرقی، نیروهای مخالف از جمله کردها و ارمنه وجود دارند که می‌توانند تأثیرگذار باشند.

مهمتر از همه، بحران اقتصادی، بیکاری و فقر می‌تواند سبب بروز ناامنی برای خط لوله شود که یک نمونه آن در زمان بهره‌برداری از خط لوله، دزدی نفت خام در مسیر جیهان در شهرستان قهرمان مرعش (کاهرامان ماراش) بود که باعث شد افتتاح آن یک هفته به تأخیر بیفتد. مواردی مشابه در مسیر خط لوله انتقال انرژی نیجریه در غرب آفریقا اتفاق افتاده است.

در جمهوری آذربایجان استخراج نفت از منابع نفتی «چراغ - گونشلی - خزر» در عمق ۱۸۸ متری دریا در نزدیکی سواحل آذربایجان، تهدیدی جدی برای ذخایر ماهیان دریای خزر به شمار می‌رود. ذخایر ماهیان خاویاری دریای خزر که به جهت قدمت دیرینه‌شان به آن‌ها «دایناسورهای زنده» نیز می‌گویند به شدت مورد تهدید قرار دارند و در حال انقراض می‌باشند. حدود ۹۰ درصد خاویار جهان از دریای خزر استحصال می‌شود که با فعالیت نفتی در حال نابودی است. تعداد ماهیان خاویاری در ۲۰ سال گذشته به شدت کاهش یافته است.

چاه‌های نفتی آذربایجان که ابتدا در دوره شوروی سابق حفاری شدند و نیز تمرکز فعالیت‌های صنایع نفت در اطراف باکو در طول ساحل، اثرات منفی خود را بر جای گذاشته‌اند. گروه‌های طرفدار محیط زیست خاطر نشان می‌کنند که ادامه فعالیت‌های نفتی با دستگاه‌ها و ابزارهای کهنه و ماشین‌آلات فرسوده، به عنوان عامل اصلی آلودگی سطح بالا را می‌توان به راحتی در ساحل آذربایجانی دریای خزر ملاحظه کرد.

در جمهوری گرجستان خط لوله باکو - تفلیس - جیهان دامنه‌های دره زیبای «بورژومی - خارگولی» را در خط آلودگی زیست محیطی قرار داده است.

منطقه توریستی بورژومی، پارک طبیعی و حفاظت حیات وحش، مناطق استراحتگاهی، آب معدنی معروف آن که حدود ۱۰ درصد از کل ارزش صادرات گرجستان را تشکیل می‌دهد، همه تحت تأثیر آلودگی‌های احتمالی خط لوله نفت خام باکو - تفلیس - جیهان قرار گرفته‌اند که از این مسیر عبور می‌کند. خط لوله از ۱۶ کیلومتری چشمه‌های آب معدنی بورژومی می‌گذرد. با گذر این خط لوله، امکان کاهش تقاضای آب معدنی وجود خواهد داشت.

انتخاب این مسیر، با وجود آگاهی از خطرات زیست محیطی آن که می‌تواند دره را به فلاکت بکشاند، به جهت اجتناب از انتخاب مسیر خط لوله به شکل مستقیم تا غرب گرجستان بوده است. بیم آن وجود داشت که احداث خط لوله در این مسیر از حوادث منطقه آبخازیا و مگرلیا متأثر شود. ناآرامی و تنش در این مناطق ممکن است غرب گرجستان (سواحل دریای سیاه) را از بقیه کشور جدا و آن را به انزوا بکشاند.

کنسرسیوم ۱۰۰۰۰ نفر را در استخدام دائمی خود دارد و برای نگهداری و تعمیرات به ۱۰۰۰ نفر پرسنل نیاز دارد. برای انتقال هر بشکه نفت خام، ۲/۳ دلار براساس قیمت‌های تعیین‌شده پرداخت می‌شود. هر بشکه نفت ۵۰ دلار محاسبه شده است. پرداخت می‌شود. اگر خط لوله با تمام ظرفیت کار کند، آذربایجان از فروش نفت خام (با قیمت جاری) سالانه ۲۹ میلیارد دلار درآمد خواهد داشت و گرجستان ۶۰۰ میلیون و ترکیه ۱/۵ میلیارد درآمد از حق ترانزیت کسب خواهد کرد. ترکیه

این خط لوله در ترکیه با چالش‌های اجتماعی مهمی روبه‌روست. برای عبور ۱۰۷۶ کیلومتر از مسیر این لوله از قلمرو ترکیه، بین دولت ترکیه و شرکت بریتیش پترولیوم موافقت‌نامه دولت میزبان (HGA) به امضاء رسیده است که به شرکت بریتیش پترولیوم امکان می‌دهد دولت ترکیه را از اعمال، تصویب و تدوین قوانین جدیدی که بر عملکرد خط لوله تأثیر می‌گذارد، منع کند. گروه‌های ناظر می‌گویند که انعقاد این موافقت‌نامه فضایی را ایجاد خواهد کرد که در آن حقوق بشر، محیط سالم و رسیدگی به شکایات در برابر منافع شرکت‌های بزرگ نفتی تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت.

در مارس ۲۰۰۵، قزاقستان و آذربایجان موافقت کردند خط لوله آکتانو - باکو، که حوزه‌های نفتی دریایی قزاقستان را در نزدیکی آکتانو به خط لوله باکو - جیهان، از طریق گذر از بستر دریا متصل می‌کند در سال ۲۰۰۸ احداث شود. این حوزه‌های نفتی که احتمال می‌رود در سال ۲۰۱۶ روزانه ۱/۲ میلیون بشکه نفت خام از آن استخراج شود، نقش مهمی در فعال سازی خط لوله باکو - جیهان خواهد داشت. این گونه برنامه‌ریزی شده است که حدود ۶۰۰ هزار بشکه از این مقدار، روزانه توسط تانکر به این شبکه تحویل شود.

پس از افتتاح خط لوله انتقال گاز روسیه به سینوپ ترکیه از طریق بستر دریای سیاه و موفقیت شرکت‌های ایتالیایی در انجام این پروژه مهندسی بسیار پیچیده برای احداث خط لوله گاز در بستر ۲۰۰۰ متری دریای سیاه، تحول گسترده‌ای در قزاقستان پدید آمد و بلافاصله رئیس جمهور قزاقستان و مقامات نفتی آن اعلام داشتند علاقمند به خط لوله قزاقستان - آذربایجان با گذر از بستر دریای خزر می‌باشند.

این مورد می‌تواند مدلی برای ایران جهت صدور گاز به هند بدون عبور از پاکستان و حذف این کشور از معادله گاز باشد، ایران می‌تواند از طریق عبور دادن خط لوله از کف دریای عمان گاز خود را به هند منتقل کند.

اولین محموله نفت از خط لوله باکو - جیهان در تاریخ ۳ ژوئن ۲۰۰۶ در جیهان توسط تانکر انگلیسی هاوتیم پارگیری شد. در ابتدا قرار بود این بارگیری یک هفته زودتر صورت گیرد، اما به علت دزدی نفت خام از خط لوله در روستایی در نزدیکی جیهان با تأخیر مواجه شد. نیروهای امنیتی بلافاصله در محل حاضر و اقدامات شدیدی انجام دادند.

روسای جمهوری ترکیه، گرجستان و آذربایجان، سه کشوری که خط لوله از قلمرو کشور آنها می‌گذرد، در روز ۱۳ ژوئیه در آدانای ترکیه در مراسم افتتاح رسمی آن شرکت کردند.

نفت آذربایجان، پس از عبور از خط لوله ۱۰۷۶ کیلومتری در خاک ترکیه، به بندر جیهان رسید، این کار پس از یک سال تأخیر انجام گرفت. قبلاً مقرر شده بود این خط لوله در نیمه دوم سال ۲۰۰۵ به بهره‌برداری برسد.

اولین محموله نفت خام آذربایجان در تاریخ ۱۰ مه ۲۰۰۵ از باکو به لوله پمپاژ شد و در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۵ به مرز ترکیه رسید. انتقال نفت از این مسیر، ترافیک تنگه‌های بسفر و دارداتل را کاهش خواهد داد. ترکیه این امر برای متقاعد کردن غرب و کشورهای حوزه دریای خزر از جمله روسیه مستمسک قرار داده است و استراتژی خود را در جهت تبدیل ترکیه به مرکز نقل توزیع انرژی اروپا پیش برده است.

در پاسخ به پرسشی درباره علت عدم انتخاب مسیر ایران می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد. نفت مازاد حوزه دریای خزر پس از استخراج از چهار جهت می‌توانست به بازارهای جهانی صادر شود:

الف - در جهت شمال از طریق خاک روسیه به بنادر دریای سیاه

ب - در جهت شرق از طریق آسیای مرکزی به چین

ج - در جهت جنوب از طریق ایران به خلیج فارس

د - در جهت غرب از طریق گرجستان به دریای سیاه یا از طریق گرجستان و ترکیه به دریای مدیترانه

با توجه به و حضور آمریکا در قفقاز و پیگیری اهداف استراتژیک (انزوای روسیه و جلوگیری از پیمان این کشور با کشورهای منطقه) و اقتصادی (بهره‌گیری بیشتر از نفت و تأمین و تضمین مقداری از نیازهای نفتی مصرفی)، طبیعی بود که خطوط انتقال نفت خزر - نووروسیسک نمی‌توانست مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، روسیه از این معادله حذف شد. در گزینه دوم، چون چین دومین اقتصاد بزرگ جهان بعد از ایالات متحده است و روزانه به ۵ میلیون بشکه نفت وارداتی نیاز دارد، خط لوله مزبور نمی‌توانست به سوی شرق امتداد پیدا کند. آمریکا خواهان آن است که انتقال انرژی از طریق راه‌های آبی تحت نظارت آن کشور صورت گیرد و در پی تحقق اهداف استراتژیک و اقتصادی خود می‌باشد. بنابراین، این گزینه نیز رد شد.

در مورد سوم یعنی در جهت جنوب به سوی ایران، دو موضوع مطرح است:

الف - در صورت عبور خط لوله نفت حوزه دریای خزر از ایران، ایران به ابزاری برای تحمیل اراده سیاسی خود بر منطقه دریای خزر دست می‌یافت و بر قدرت منطقه‌ای آن افزوده می‌شد و علاوه بر آن از نظر اقتصادی ثبات بیش‌تر و درآمد بیش‌تری کسب می‌کرد.

ب - در صورت عبور خط لوله از ایران، این نفت به خلیج فارس می‌رفت که هم با تراکم زیاد حمل و نقل نفت روبروست و هم این‌که بازاری که برای این نفت مترتب بود، در اروپا و دریای مدیترانه قرار داشت. از طرفی، در صورتی که این نفت به پایانه‌های نفتی ایران در خلیج فارس می‌رسید، باید با استفاده از تانکرهای نفت‌کش با گذر از تنگه هرمز (که خود دارای مشکلات امنیتی زیادی است) وارد دریای عمان می‌شد و سپس با گذر از تنگه باب‌المندب وارد دریای سرخ می‌شد. از آن‌جا نیز باید با عبور از کانال سوئز و پرداخت حق ترانزیت وارد دریای مدیترانه می‌شد تا به بازارهای مصرف در اروپا برسد.

بنا به دلایل فوق، طبیعی بود که گزینه غرب از نظر اقتصادی و استراتژیکی مناسب‌تر از ایران بود. طبیعی بود که دریای سیاه نمی‌توانست به عنوان پایانه انتخاب شود، زیرا در آن صورت ترکیه، آمریکا و ناتو نمی‌توانستند به اهداف دل‌خواه خود برسند. برای توجیه نامناسب بودن این گزینه، نامنی استانبول و ترافیک زیاد تنگه بسفر مطرح شد. اتخاذ این سیاست‌های مزورانه از جانب ترکیه با هدف حذف ایران و ارتقای اهمیت ژئوپلیتیکی و اقتصادی این کشور انجام شد که سرانجام به حذف روسیه، ایران و گرجستان از معادله نفت خزر منجر شد. اکنون ترکیه خود یکه‌تاز میدان شده است و به مرکز انتقال انرژی منطقه تبدیل شده است. انتقال گاز ایران به ترکیه و گاز روسیه به ترکیه سبب تقویت موقعیت جهانی ترکیه شده است.

کریدور جنوبی گاز با هدف تنوع بخشی به منابع انرژی اروپا طراحی شده است و اولین مرحله آن، پروژه ترانس آناتولی (تاناب) که گاز میدان شاه دنیز را به ترکیه می‌رساند، سال ۲۰۱۸ افتتاح شد.

پروژه خط لوله انتقال گاز تاناب موسوم به «جاده ابریشم انرژی»، از منطقه شاه دنیز ۲ در نزدیکی سواحل خزر در شهر باکو آغاز می‌شود و با گذر از خاک گرجستان، در خاک ترکیه ادامه می‌یابد و قرار است تا ایتالیا امتداد پیدا کند. این کریدور قفقاز-آناتولی-اروپا، با مشارکت ۱۲ شرکت و ۶ کشور و با ۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شده است.

پروژه انتقال گاز جمهوری آذربایجان به اروپا به ظرفیت ۱۶ میلیارد متر مکعب شامل دو مرحله است که مرحله اول آن، پروژه تاناب، به ظرفیت اولیه انتقال ۶ میلیارد متر مکعب گاز به بهره‌برداری رسیده است. در مرحله دوم، پروژه تاپ (ترنس آدریاتیک پایلین) به ظرفیت ده میلیارد متر مکعب قرار است طبق زمان‌بندی اواخر ماه جاری به بهره‌برداری برسد. پروژه تاپ نیز از طریق ترکیه و یونان تا ایتالیا ادامه پیدا خواهد کرد.

در چارچوب برنامه جامع کریدور جنوبی گاز قرار است علاوه بر جمهوری آذربایجان، گاز دیگر کشورهای آسیای میانه، دریای خزر و دریای مدیترانه نیز به بازار اروپا برسد. طبیعی است که با توجه به میزان وابستگی کشورهای اروپایی به گاز روسیه، پروژه تاپ تهدید جدی برای روسیه در بازار اروپا نخواهد بود اما اهمیت آن برای اروپا در این بود که توانست برای اولین بار از کشوری در منطقه بجز روسیه گاز وارد نماید که می‌تواند مقدمه موفقیت پروژه‌های بعدی باشد. افزایش نقش منطقه‌ای جمهوری آذربایجان اما خوشایند ایران نیست که به دلیل تحریم‌ها نمی‌تواند بازیگر عمده‌ای در بازار انرژی باشد.

ایران در نظر داشت صادرکننده گاز به اروپا شود اما کاهش تدریجی مصرف در اروپا، تحریم، افزایش مصرف داخلی و نبود سرمایه و تکنولوژی لازم باعث شد ایران نتواند در بازار منطقه‌ای نقش فعالی ایفا نماید.

پیشرفت اقتصادی جمهوری آذربایجان و افزایش صادرات انرژی از دید تهران می‌تواند بر مناطق آذری‌نشین ایران تاثیر بگذارد. از این رو تداوم بحران‌های منطقه‌ای که مانع رشد اقتصادی جمهوری آذربایجان شوند می‌تواند به نفع برخی کشورهای همسایه باشد.

باید خاطر نشان کرد که پس از انفجار در خط لوله ایران به ترکیه در ماه مارس گذشته سهم گاز جمهوری آذربایجان و گاز طبیعی مایع (الان‌جی) آمریکا در سبد انرژی ترکیه افزایش یافت تا کمبود گاز ایران مشکلی برای امنیت انرژی ترکیه ایجاد نکند.

از دو سال پیش سهم صادرات گاز روسیه به ترکیه نیز به تدریج کم شده و در شش ماه اول امسال نیز واردات گاز از روسیه و ایران به ترتیب ۴۴.۸ و ۴۱.۵ درصد کاهش یافته‌اند. کاهش سهم ایران و روسیه و افزایش سهم جمهوری آذربایجان رنگ خطر جدی برای این دو کشور است و در سیاست‌شان در قبال جنگ قره‌باغ نیز بی‌تاثیر نیست.

جنگ قره‌باغ موجب مشکلات زیادی در بعد سیاسی و امنیتی برای جمهوری آذربایجان شد با این وجود برنامه افزایش صادرات انرژی و تقویت بنیه نظامی‌اش را ادامه داد. در این بین وابستگی اروپا به گاز روسیه و تلاش اعضای اتحادیه برای تنوع بخشی به منابع انرژی، فرصت مناسبی را برای این کشور پدید آورد تا نقش خویش را در معادلات انرژی و سیاسی - امنیتی منطقه افزایش دهد.

پایان سخن

در جمع‌بندی می‌توانیم تاکید کنیم که سرنوشت ارمنی‌های قره‌باغ و شهرهای اطراف، مسئله‌ای نیست که جمهوری آذربایجان بتواند به آسانی از کنار آن عبور کند.

یک سنوآل اساسی و مهم آن است که انعقاد توافق آتش‌بس و رفع خصومت بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان بعد از حدود ۳۰ سال تنش و درگیری بدون مشارکت گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا صورت گرفت که به گفته تحلیل‌گران بر نقش برجسته روسیه چه در روند مذاکرات و چه در کل سیستم منطقه تاکید داشت.

رویکردهای کنونی روسیه در مورد قفقاز جنوبی یک نوع بازنگری است. دورانی که ارمنستان جای پای بی‌قید و شرط سیاست روسیه در منطقه بود، به تدریج در حال از بین رفتن است. در حال حاضر، می‌توان گرایش‌هایی را در رویکردهای روسیه مشاهده کرد که هدف آن‌ها ایجاد قالب‌های عملی‌تر تعامل با کشورهای منطقه، از جمله حکومت‌های ترکیه و ایران در راستای منافع این کشور است.

برخی تحلیل‌گران بر این عقیده‌اند که استقرار نیروهای حافظ صلح روسیه در سرزمین قره‌باغ منافع روسیه را تامین می‌کند، حداقل به این دلیل که روسیه بدون ورود رسمی به جنگ، عملاً این فرصت را پیدا کرده است که نیروهای خود را در یکی از مهم‌ترین نقاط قفقاز مستقر کند. بنابراین به نظر می‌رسد که در این مرحله، برای روسیه مهم است که منافع خود را در قفقاز جنوبی حفظ و مشارکت خود را در پروژه‌های موفقیت‌آمیز جمهوری آذربایجان و ترکیه برای توسعه کریدور گاز جنوبی تثبیت کند.

در طول سه سال جنگ اول (۱۹۹۴-۱۹۹۲) سرانجام مشکل قره‌باغ حل نشده است. برای نزدیک به سی سال، فدراسیون روسیه، به عنوان ضامن اصلی آتش‌بس در قره‌باغ، در «محدود یا متوقف کردن درگیری ارمنستان و جمهوری آذربایجان کمک کرد تا اولویت‌هایش حل و فصل شود.

با توجه به تجربه تاریخی و رویه حقوقی بین‌المللی، درگیری در قره‌باغ باید سرانجام از طریق انعقاد یک پیمان بین‌المللی کامل بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان حل و فصل شود، که به وضوح وضعیت قانون اساسی و حقوقی قره‌باغ کوهستانی را با هدف حل نهایی اختلافات ارضی مشخص خواهد کرد. در غیر این صورت، این آتش‌بس بیش‌تر از توافق قبلی دوام نخواهد آورد و دو ملت باید یکبار دیگر همه پیامدهای جنگ را تجربه کنند.

حتی ترکیه نیز که هنوز بعد از بیش از یک‌صدسال با مسئله «نسل‌کشی ارمنه» در مجامع بین‌المللی دست و پنجه نرم می‌کند، در حمایت نظامی همه‌جانبه از جنگی که در جریان آن، هزاران ارمنی کشته و آواره شوند، باید عوامل بیش‌تری را مدنظر قرار بدهد. به همین دلیل، از ابتدای درگیری و شدت گرفتن آن، یک پیشروی همه‌جانبه نظامی به داخل قره‌باغ و کنترل شهرهای ارمنی‌نشین، یکی پس از دیگری و نهایت آتش‌بس اخیر، گزینه راهبردی قابل‌اتکایی به عنوان یک هدف نظامی کوتاه مدت برای جمهوری آذربایجان محسوب نمی‌شود.

قفقاز در حال حاضر یکی از مراکز بزرگ درگیری‌های «خفته» جهان است و در این منطقه سه «جمهوری» وجود دارند که استقلال آن‌ها از سوی جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده است. اما در عین حال کنترل آن‌ها نیز در دست دولت مرکزی نیست.

«جمهوری آرتساخ» (در کنار «جمهوری اوستیای جنوبی» و «جمهوری آبخاز» هر دو متعلق به گرجستان) یکی از این درگیری‌های خفته یا یخ‌زده محسوب می‌شود. این واحد سیاسی عملاً ادامه تشکیلات استان «قفقاز کوهستانی» است که حدود ۷۰ سال در دوران اتحاد جماهیر شوروی از امتیاز خودمختاری برخوردار بود و بعد از جنگ ارمنستان و جمهوری آذربایجان موفق شد از راه پیشروی نظامی، مناطق بیش‌تری را در جنوب غربی جمهوری آذربایجان به زیر کنترل خود در آورد.

اگرچه هنوز روشن نیست که آتش‌بس اخیر پایدار خواهد شد و به یک صلح ماندگار تبدیل خواهد شد یا نه، اما جمهوری آذربایجان در پی این دو ۴۴ روز خون‌بار دست‌کم به یک دستاورد روشن و مهم رسید: بار دیگر مسئله قره‌باغ را به روی میز آورد. آن‌هم نه به عنوان یک اختلاف به ظاهر بی‌اهمیت بین دو کشور کوچک در دورترین مرزهای شرقی اروپا، بلکه به عنوان یک درگیری با پتانسیل بالا برای تبدیل شدن به یک بحران بزرگ بین‌المللی. به بیان دیگر جمهوری آذربایجان که می‌گوید بر اساس حقوق بین‌الملل، بخش‌هایی از خاکش در اشغال ارمنستان است و «جمهوری آرتساخ» تلاشی برای جدا کردن این منطقه و الحاق آن به ارمنستان است، موفق شد اختلاف را از یک «درگیری یخ‌زده» به یک درگیری فعال تبدیل کند.

در زمینه درگیری اخیر، جمهوری آذربایجان به شکلی روشن به اروپا نشان داد که قره‌باغ نه فقط یک اختلاف مرزی، بلکه یک بحران مرتبط با موضوع امنیت انرژی این قاره است. همان‌طور که در بالا گفته شد دو خط لوله انتقال نفت و گاز از جمهوری آذربایجان به اروپا، هر دو از مناطقی عبور می‌کنند که با مرز مناطق مورد مناقشه و در واقع همان خط مقدم یک جنگ تمام عیار، فاصله بسیار کمی دارند.

در دکترین امنیتی مسکو، هر دو کشور به عنوان بخشی از مناطق حائل میان مرزهای روسیه و تهدیدهای خارجی دسته‌بندی می‌شوند و روسیه امیدوار است که هر دو کشور را در حلقه خود حفظ کند؛ استراتژی پیچیده‌ای که در ارتباط با جمهوری آذربایجان هرگز آسان نبوده است.

طبق ارزیابی اطلاعاتی روسیه و فرانسه، ترکیه مزدوران و تروریست‌هایی از سوریه و لیبی به مناطق درگیری اعزام کرده است که شامل شماری از نیروهای جبهه النصره - شاخه سوری القاعده - می‌باشد. با این حال، ورود آنکارا به مناقشه قره‌باغ آخرین برگ از ماجراجویی‌های ترکیه برای رسیدن به رویای امپراطوی است. «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه چه در جنگ‌های حوضه مدیترانه و چه در سرکوب مخالفت‌های داخلی علیه خود، بلندپروازی منطقه‌ای خود را پیش می‌برد. مداخله او در مناقشه قره‌باغ خطر تبدیل یک جنگ محلی را به جنگی منطقه‌ای تشدید می‌کند.

اردوغان با پشتیبانی تمام‌قد دیپلماتیک و نظامی از آذربایجان به دنبال منافع خود است. رئیس‌جمهور ترکیه در جولای ۲۰۲۰ - تیر ۹۹ به وضوح اهداف خود را طی یک سخنرانی اعلام کرد که درصدد است ماموریت عثمانی را در این منطقه انجام دهد. برخی ناظران اظهارات او را تهدیدی علیه ارمنستان در زمینه نسل‌کشی ارمنه تفسیر کردند. با این حال، بیانیه او کمتر به وقایع سال ۱۹۱۵ و بیش‌تر به وقایع تاریخی دیگر مربوط است - حمله نظامی عثمانی به ماورای قفقاز در سال ۱۹۱۸ میلادی. در این ماجرا و در میان جنگ داخلی روسیه، امپراطوری عثمانی مدعی سرزمین‌های قفقاز شد.

اردوغان برخلاف منازعات پشت‌پرده اخیرش با ولادیمیر پوتین در سوریه و لیبی، به دنبال احیاء ادعای تاریخی خود بر منطقه قفقاز است. او آشکارا اعلام کرده است که پشتیبانی از آذربایجان به عنوان بخشی از تلاش ترکیه برای رسیدن به جایگاه شایسته خود در نظم جهانی است. هدف او بهره‌برداری از جنگ جدید قره‌باغ است تا با این کار پیامی به مسکو مخابره کند و در صورت امکان نفوذ تاریخی روسیه در منطقه قفقاز را تضعیف کند و نفوذ ترکیه را جایگزین آن کند.

سران جمهوری اسلامی ایران نیز در پی منافع خود، نگران تحولات این منطقه است. از جایگاه و بسیاری از نگرانی‌های روسیه بهره‌مند است. این نگرانی تنها درباره استفاده از نیروهای تروریست رقیبش در سوریه نیست، بلکه نگرانی پیرامون مجاورت درگیری در نزدیکی مرزهای شمالی ایران است. ایران و روسیه هر دو دارای جمعیت قابل‌توجهی از آذری‌ها و ارمنی‌ها هستند و هر دو کشور از معضلات امنیتی که می‌تواند از ناحیه درگیری جدید با تحریک ترکیه ایجاد شود، هراس دارند.

نیکول پاشینیان، نخست وزیر ارمنستان پس از کسب قدرت کوشیده بود گرایش به غرب را در دستور کار دولتش قرار دهد؛ اما جنگ دوباره قره‌باغ به ایروان چنین القا کرد که باید زیر حمایت مسکو قرار داشته و خود را متعهد به سازمان هم پیمان جمعی به رهبری روسیه بداند. اکنون موقعیت او در نزد افکار عمومی مردم ارمنستان بسیار متزلزل شده است. آذربایجان نیز دریافته که بدون ملاحظه روسیه و تنها با اتکا بر سلاح‌ها و حمایت‌های ترکیه قادر نیست بیرون از چارچوب نظام موجود در منطقه عمل کند.

در نهایت موضع کنونی روسیه در مسئله قره‌باغ، نه جانبداری از ایروان (شبیه به جانبداری آنکارا از باکو) بلکه تلاشی در جهت منافع خودشان است.

همچنین هم باکو و هم آنکارا به خوبی می‌دانند که پایان دادن به مسئله قره‌باغ به شکلی که اعتبار و قدرت‌شان زیر سوال نرود و منافع‌شان تامین شود، کار بسیار دشواری است. در چارچوب گروه مینسک، روسیه و آمریکا حضور دارند و در هر دوی این کشورها، لابی سیاسی ارمنی‌ها، یک ساختار مدنی با نفوذ و قدرتمند است. بنابراین به نظر من راه حل سیاسی و انسانی نهایی و ماندگار قره‌باغ فراهم کردن زندگی مشترک ارمنی‌ها و ترک‌های آذربایجانی در این منطقه است.

طبق توافق سه‌جانبه روسیه و ارمنستان و آذربایجان، ارمنستان از تمامی سرزمین‌های مورد توافق عقب‌نشینی کرده و به آذربایجان واگذار کرده است. همچنین دو هزار نیروی نظامی صلح‌بان روسی در پایگاه‌های مورد نظر مستقر شده‌اند.

در واقع حمله قدرتمند و پرتعداد اخیر جمهوری آذربایجان به منطقه اشغالی موجب غافل‌گیری ارمنستان شد. انگیزه بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی برای ارتش جمهوری آذربایجان با تجهیزات مدرن و فوق پیشرفته، طبیعی بود که در برابر نیروهای ارتش ارمنستان می‌توانست به برتری دست یابد. ارتش ارمنستان با از دست دادن تجهیزات و نیرو و ادار به عقب‌نشینی شده و یکی پس از دیگری قلمروهای اشغالی را باز پس گذارد. به همین دلیل ارمنستان اجبار توافق‌نامه آتش‌بس را امضاء کرده است و به همین دلیل نیز ارمنستان به شدت بحرانی شده و مردم خواستار استعفای نخست وزیر هستند.

در چنین شرایطی، باز هم گرایشات عقب‌مانده سرمایه‌داری همچون مذهبی و فاشیستی و ناسیونالیستی مانع صلح و همبستگی ماندگار در قره‌باغ هستند بنابراین بخش آگاه و انسان‌دوست، ضدجنگ و تبعیض آذربایجان و ارمنستان وظیفه خطیری به عهده دارند و تنها تلاش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این بخش از مردم این منطقه است که به معنای واقعی می‌تواند از شعله‌ور شدن مجدد جنگ قره‌باغ جلوگیری کنند.

هرچند که جنگ ویران‌گر در قره‌باغ کوهستانی، نه تنها قربانیان زیادی از مردم ارمنی و ترک‌های آذری گرفته است بلکه از جنبه اقتصادی نیز ویران‌های زیادی را بر مردم این منطقه وارد کرده است. با این وجود باز هم جای خوشحالی دارد که فعلا جنگ قره‌باغ قطع شده است، مردم عزیزان خود را از دست نمی‌دهند و در این سرمای سوزناک زمستانی، از خانه و کاشانه خود آواره نمی‌گردند.

به امید این که روزی برسد تا همه شهروندان منطقه و جهان از شر سرکوب و سانسور، جنگ و کشتار، تبعیض و استثمار دولت‌های سرمایه‌داری جهان رها شوند و در کنار هم در صلح و صفا، آزادی، برابری و رفاه زندگی کنند.

چهارشنبه نوزدهم آذر ۱۳۹۹ - نهم دسامبر ۲۰۲۰